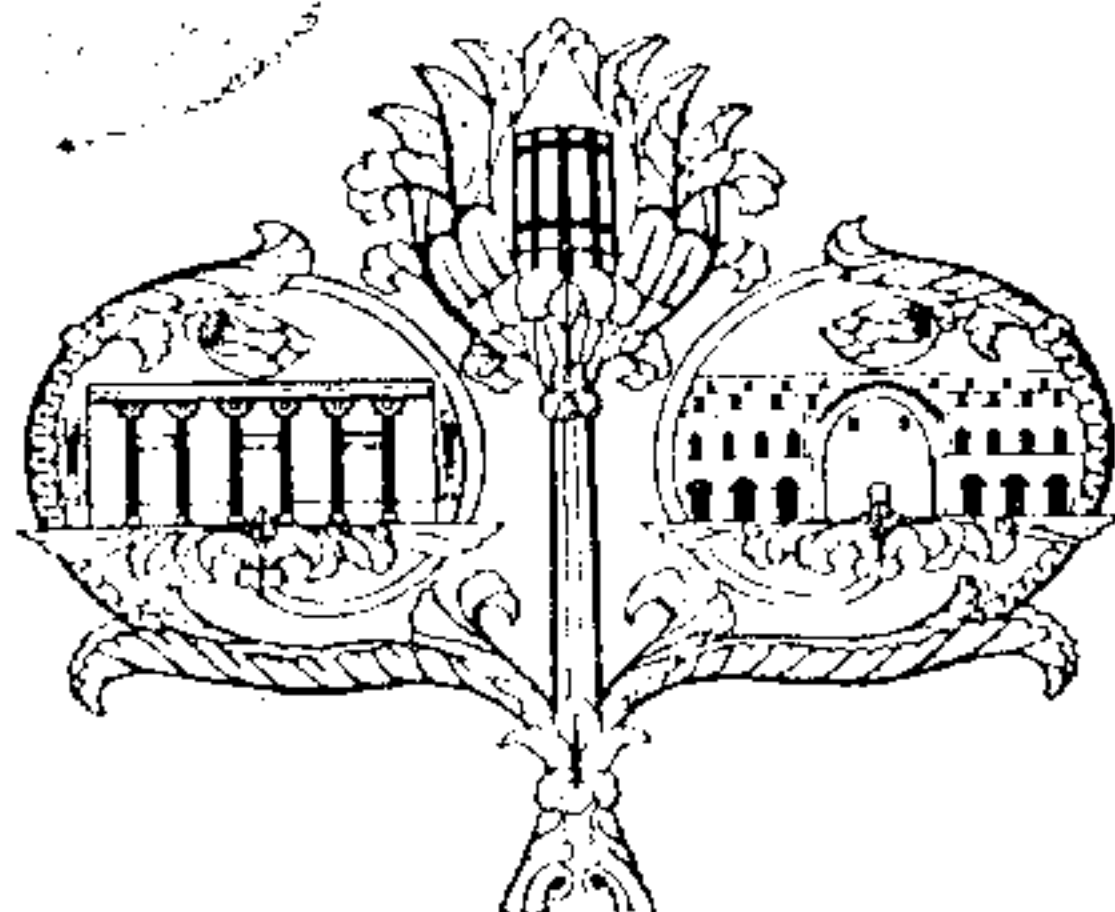
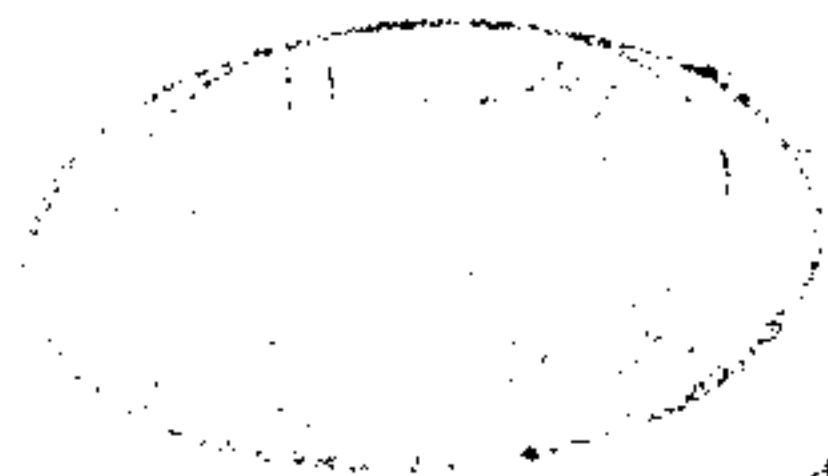




سلسلہ اشعارات انجمن امارتی یادگار جشن ہزارہ ابو علی سینا
« ۲۱ »

نظرنامہ

منسوب بہ

شیخ رئیس ابو علی سینا

بامقتتہ و حواشی تصحیح

دکتر غلامحسین صدیقی

استاد دانشگاہ

مقدمه مصحح

ظفر نامه نامی است که در عصر اسلامی به مجموعه‌ای فارسی از سخنان منسوب به بزرگمهر حکیم داده‌اند. کیفیت تدوین اصل آن سخنان معلوم نیست و متن فارسی موجود بموجب روایتی نسبتاً متأخر از ترجمه متن پهلوی سخنان آن حکیم پدید آمده‌است و ناقل آن از زبان پهلوی به فارسی بر حسب همان روایت که معتبر و معتمد نمی‌نماید ابن سیناست.

- نام کتاب -

نام مجموعه اندرز های مذکور در بعضی از نسخه ها چنانکه گذشت ظفر نامه ضبط شده لکن بتحقیق معلوم نیست که در دوره اسلامی از چند تاریخ این نام که ترکیبی عربی و فارسی است باین مجموعه تعلق گرفته و نام اصلی آن بدرستی چه بوده است.

احتمال آنکه نام اصلی کتاب در پهلوی « پیروزی نامک » بوده و به ظفر نامه ترجمه شده باشد مؤیدی ندارد^(۱) و مقبول نتواند بود. نگارنده احتمال میدهد که کلمه « ظفر » تحریف خرد باشد که از

۱ - پیروز نامه نیز که در مجمل التواریخ و الفصص (ص ۶۶ و ۷۰ و ۷۹ و ۸۰ نیز رش : هزاره فردوسی ص ۵۱ ج ۷) نامش آمده و از مأخذهای آن کتاب بشمار می‌آید و ممکن است کتابی قدیم بوده باشد در تاریخ بوده است و موضوعاً با ظفر نامه منظور فرق دارد ، بعلاوه ترجمه پیروز نامه مظهر نامه میشود نه ظفر نامه .

قراءت نادرست آن لفظ بوجود آمده و قرینه بر صحت این امر وجود قسمتهائی از متن ظفر نامه در مجموعه خرد نامه است که از خوشبختی در نسخهای نسبتاً قدیم باقی مانده است. توضیح آنکه شاید کاتبی چند قطعه از يك قسمت خرد نامه را استنساخ کرده و نام اصل را بمنتهی یا فرع نهاده و خواننده‌ای «خرد» را بخطای ناشی از شیوه تحریر یابدی خط «ظفر» خوانده باشد و کاتبان بعد عموماً بی‌خبر از نام صحیح کتاب عنوان ظفر نامه را ضبط کرده باشند^(۱) بهر حال در بعضی از نسخه‌ها رساله منظور بی نام است و تا آنجا که بنظر نگارنده رسیده عنوان مذکور اول بار در نسخه کتابخانه مراد ملا (ح) که بین سالهای ۷۴۴ تا ۷۵۴ نوشته شده آمده است.

در نسخه خرد نامه^(۲) و نسخه عکسی^(۳) (ع) و نسخه‌های خطی تاریخ گزیده (گ و ت و ص) و نسخه آثار الوزراء سیف الدین حاجی عقیلی (س) که اصلاً همان روایت تاریخ گزیده را ضبط کرده و نسخه

۱ - البته این امر بر اهل اطلاع معلوم است که کلمه «ظفر» و ترکیب «نامه ظفر» در ادب فارسی قبل از ایلغار تاتارها بسیار معمول بوده و حتی بیش از کلمه پیروزی و فیروزی بکار میرفته است، رش: لغت نامه دهخدا، حرف ظ ص ۱۲ س ۳.

۲ - خرد نامه شاید اولین مجموعه فارسی اندرز نامه‌های ظاهراً پیش (بصورت ترجمه) و هم پس از اسلام باشد که از دستبرد حوادث مصون مانده و بما رسیده است. اما ظفر نامه گویا اصلاً جزوی از خرد نامه بوده است. خرد نامه را که بعد از برقراری و چاپ متن حاضر بنظر راقم این سطور رسید نگارنده از محل هدیه استاد محترم دوست بزرگوار آقای دکتر یحیی مهدوی بدانشگاه تهران بچاپ رسانیده و امید دارد که قریباً منتشر کند.

۳ - راجع به خصوصیات نسخه‌ها رجوع بصفحه‌های بعد همین مقدمه

منقول در مجله ارمنیان از جنگ کهنه (ج) ، نام ظفر نامه دیده نمیشود ولی در نسخه شفر (ش) و نسخه موجود در مجموعه کتابهای اهدائی آقای مشکوة بدانشگاه تهران (م) و در نسخه کتابخانه ملی پاریس (۱۲۵) (۱) و نسخه جنگ خانوادگی آقای دبیرسیاقی (۲) (د) و بتقریب جمیع نسخه‌های متأخر و جدید عنوان ظفر نامه ثبت شده است.

ظفر نامه ها

نام ظفر نامه که بکتابهای مختلف داده شده در مورد های ذیل بنظر نگارنده رسیده است:

۱- ظفر نامه مورد نظر .

۲- ظفر نامه فارسی منظوم بیحر متقارب از حمدالله بن احمد پسر ابوبکر بن احمد بن نصر مستوفی قزوینی (۳) (متوفی بسال ۷۵۰هـ) که در

۱- در این نسخه که بعد از برقراری و چاپ متن حاضر بنظر نگارنده رسید عنوان «ظفر نامه نوشیروان عادل» ثبت شده است .

۲- در مقدمه این نسخه کلمه ظفر که شاید با عنوان ظفر نامه بی ارتباط نباشد در جمله «بر همه اعدا ظفر یابند...» در خور توجه است در مقدمه نسخه خطی مورخ بسال ۱۳۲۶ هجری که متعلق با آقای مشکوة بوده و در نشریه دانشنامه گلشنه شده نیز چنین آمده است : «و چون آنرا بکار دارم بر همه چیز ظفر و پیشرفت یابم...» با مطالعه مقدمه‌هایی که در نسخه‌های ظفر نامه ضبط شده معلوم می‌شود که صورت اصلی آنها مورد دستکاری قرار گرفته است .

۳- رش : ادوارد برون، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه علی اصغر حکمت ج ۳ ص ۱۱۷ و بعد؛ تقی زاده گام شماری ص ۲۹۶ ؛ حاجی خلیفه ج ۲ ص ۱۱۲۰ ؛ دکتر صفا ، حماسه‌سرایی در ایران ص ۳۳۷ ؛ سعید نفیسی ، احوال و اشعار رودکی... ج ۳ ص ۱۱۲۴ و بعد ؛ بهار، سبک شناسی ج ۳ ص ۵ ح ۱ ؛ ربو ، ذیل فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه بریتانیا ص ۱۷۳ - ۱۷۴ .

۷۵۰۰۰ بیت در تاریخ، از ظهور اسلام تا عصر مؤلف، در سه کتاب^(۱) بسال ۷۳۵ هجری تألیف شده است.

۳- ظفر نامه صاحبقرانی مولانا نظام الدین هروی شامی یاشنبی یاشنب غازانی، قدیمترین تاریخ زندگانی و سلطنت امیر تیمور و جنگها و فتحهای او^(۲) تا اوایل رمضان ۸۰۶ هـ که ذیل آنرا عبدالله بن لطف الله بن عبدالرشید معروف به حافظ ابرو در سال ۸۱۴ هـ در عصر میرزا شاهرخ و فرمان او در قلم آورده است.

۴- ظفر نامه تیموری از تألیفات مولانا شرف الدین علی یزدی (متوفی بسال ۸۵۸ هـ^(۳)) که بسال ۸۲۸ هجری پایان پذیرفته حسوی

۱- کتاب نخستین زکار عرب ... کتاب دوم شرح حال عجم ... کتاب سوم آمده از مغل ...

۲- رش: حاجی خلیفه ج ۱ ص ۲۸۹؛ استوری ادبیات فارسی بخش دوم مقدمه ص ۳۶؛ بلوشه، جای مذکور شماره ۲۲۸۴؛ بهار، سبک شناسی ج ۱ ص ۱۷۰ و ج ۳ ص ۱۸۵ و ۱۹۲؛ لوسین بووا، تمدن تیموری (بفرانسه) ص ۲۲۵؛ برون، تاریخ ادبیات ایران ج ۳ (از سعدی تا جامی) ترجمه علی اصغر حکمت ص ۲۰۴؛ انه، تاریخ ادبیات فارسی ص ۲۸۱ ج ۲ و ۲۸۷ و ۳۰۲؛ ذیل جامع التواریخ تألیف حافظ ابرو با مقدمه و حواشی و تعلیقات دکتر خانبابا بیانی، تهران ۱۳۱۷ هـ.ش. ص ۷۰۷ - ع. تاریخ ظفر نامه نظام الدین شامی (جلد اول) بهمت فلیکس تاور با اصلاحات و اضافاتی که در زبدة التواریخ بایسنقری از مصنفات عبدالله بن عبدالرشید مدعو به حافظ ابرو یافته میشود، از طرف مؤسسه شرقیه چکوسلاواکی در پراگ به سرمایه مؤسسات اشکودا در مطبعه امریکائی بیروت بسال ۱۹۳۷ م در ۲۹۵ ص بیچاپ رسیده است.

۳- حاجی خلیفه (ج ۱ ص ۲۹۰) ظاهراً بخط وفات او را در ۸۵۰ ضبط کرده است.

حوادث زندگانی امیر تیمور^(۱) به پیروی از ظفر نامه نظام الدین شامی و بدستور و ظاهراً باملائی ابوالفتح میرزا ابراهیم سلطان بن شاهرخ ابن تیمور (۷۹۶-۸۳۸ هـ) در شیراز با افتتاح یا مقدمه‌ای که تاریخ جهانگیر هم نامیده شده و در سال ۸۲۲ نگارش یافته است.

۵ - ظفر نامه فارسی منظوم یا ظفر نامه تیموری یا تیمور نامه (یا باقتضای وزن شعر تمر نامه) یا اسکندر نامه تیموری از عبدالله هاتفی (متوفی بسال ۹۲۷ هـ) خواهرزاده جامی^(۲) در وقایع سلطنت و شرح

۱ - رش : مطلع سعدین و مجمع بحرین ۵۵۴-۵۶۲ (از مقدمه ظفر نامه برمی آید که شاهزاده ابراهیم سلطان خود سهم مهمی در نقل مطالب کتاب داشته است) ؛ حاجی خلیفه ج ۱ ص ۲۸۹ و ج ۲ ص ۱۲۲۰ ؛ صدیقی، گزارش سفر هند ص ۳۲ (نسخه‌ای از ظفر نامه که در سال ۸۵۰ در حیات مؤلف نوشته شده است) ؛ تقی زاده ، گاه شماری ص ۱۶۲ ج و ص ۲۹۷ ؛ بهار ، سبک شناسی ج ۱ ص ۱۷۰ و ۲۸۷ و ج ۳ ص ۱۰۰ و ۱۹۴ - ۱۹۶ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۵ و ۲۵۹ ؛ دولتشاه سمرقندی ، تذکرة الشعراء (چاپ لاهور ۱۹۳۹ م) ص ۲۵۹ - ۲۶۱ ؛ انه ، تاریخ ادبیات فارسی ص ۶۲ و ۲۵۵ و ۲۸۷ - ۲۸۸ ؛ فهرست نسخه های خطی فارسی در کتابخانه ملی پاریس بقلم ادکار بلوشه (بفرانسه) شماره ۴۵۵ تا ۴۶۳ و ۲۳۱۴ تا ۲۳۱۶ و ۲۳۲۰ ؛ لوسین بووا ، تمدن تیموری (بفرانسه) ص ۲۲۵ و ج ؛ ظفر نامه از تألیفات مولانا شرف الدین علی یزدی بتصحیح و تحشیه مولوی محمد الهداد ، چاپ کلکته «بدستور اشیاتک سوسایتی بنگاله» ۱۳۰۶ هـ ق = ۸ - ۱۸۸۷ م ج ۲ ، ترجمه ظفر نامه علی یزدی بترکی از محمد بن احمد عجمی ، رش : حاجی خلیفه ، جای مذکور و ج ۱ ص ۲۹۰ ؛ پتی دولا کروا آنرا در سال ۱۷۲۲ م . بزبان فرانسه ترجمه کرده و داربی آنرا بسال ۱۷۲۳ م از فرانسه بانگلیسی برگردانده است . نیز رش : محمد قزوینی ، مقاله‌ای تاریخی و انتقادی ص ۴۰ حاشیه عباس اقبال .

۲ - رش : حاجی خلیفه (طبع استانبول ۱۹۴۳ م) ج ۱ ص ۲۹۰ و ج ۲ ص ۱۱۲۰ ؛ ادکار بلوشه ، فهرست نسخه های خطی فارسی در کتابخانه ملی پاریس (بفرانسه) و نیز رش : تیمور نامه در فهرست مذکور ؛ ریو ، فهرست نسخه های خطی فارسی موزه بریتانیا ص ۶۵۳ ؛ هرمان انه ، تاریخ ادبیات فارسی (ترجمه دکتر رضا زاده شفق) ص ۶۲ و ۶۷ ؛ نسخه چاپی آن : نول کشور ، لکهنوسنگی ۱۸۶۹ م .

فتحهای امیر تیمور با بهره‌یابی از ظفرنامه شرف الدین علی یزدی و پیروی از اسکندرنامه نظامی .

۶ - ظفرنامه منظوم (نا تمام) شاه جهانی یا شاه جهان نامه یا پادشاه نامه در سرگذشت نیاکان و شرح حکومت شاه جهان (۱۰۳۷ - ۱۰۶۸ هـ) پسر نور الدین محمد جهانگیر پادشاه تیموری هند از حاجی محمد جان مشهدی متخلص به قدسی (متوفی بسال ۱۰۵۶ هـ) این منظومه بعثت مرگ قدسی نا تمام ماند (۱).

۷ - ظفرنامه منظوم نادری بزبان ترکی تألیف جمال الدین محمد بن عبدالغنی متخلص بنادری (متوفی در ۱۰۳۶ هـ) در فتحهای یکی از سلاطین عثمانی (۲).

۸ - ظفرنامه منظوم عالمگیری در حوادث پنج سال اول پادشاهی اورنگ زیب (متوفی بسال ۱۱۱۸ هـ) (۳).

۹ - ظفرنامه منظوم اکبری در باب فتوح اکبرخان پسر دوست

۱ - رش : اته ، تاریخ ادبیات فارسی ص ۶۴ ؛ فهرست کتب خطی فارسی کتابخانه بهار (ج ۱) ؛ فهرست کتب خطی کتابخانه بنگاله (ج ۱) ؛ ریو ، فهرست نسخه های خطی فارسی موزه بریتانیا ص ۶۸۵ و ۶۸۶ و ۶۸۷ و ۱۰۰۱ ب و ۱۰۴۸ ب و ذیل آن ص ۲۰۵ ؛ تذکره میخانه تألیف ملا عبدالنبی قزوینی (چاپ لاهور ۱۹۲۶ م) تصحیح محمد شفیع ؛ ایرج افشار ، ظفرنامه ها (مجله یغما سال ۶ ش ۹ ص ۳۵۹) .

۲ - رش : ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون ج ۲ ص ۹۰ .

۳ - نسخه هائی از این منظومه در کمبریج (ادوارد براون ، فهرست نسخه های خطی اسلامی کمبریج ۱۹۰۰ م) و موزه بریتانیا (ریو ، فهرست نسخه های خطی فارسی موزه بریتانیا ص ۲۶۵ و ۷۹۲ و ۹۰۵ و ۹۳۶ و ...) محفوظ است ، رش : ایرج افشار ، جای مذکور ص ۳۵۹

محمد خان افغانی در تسخیر کابل اثر طبع قاسم (متوفی بسال ۱۲۶۰ هـ). (۱)

۱۰ - ظفر نامه منظوم کابل از غلام محیی الدین در وقایع

کابل و جنگها و فتحهای احمد شاه در آنی و آن در سال ۱۲۶۰ هجری
بنظم در آمده است. (۲)

۱۱ - ظفر نامه رنجیت سنگه یا رنجیت نامه (۳) در شرح زندگانی

رنجیت سنگه. (۴)

۱۲ - ظفر نامه منظوم بهر تپور از مولوی فضل اعظم در وقایع

بهر تپور از سرزمین هند و فتح آنجا بدست لردلیک (۵). کتاب منظور به
نثر هم نگارش یافته است. (۶)

۱۳ - ظفر نامه منظوم گویند سنگه (۷) در فتحهای او. (۸)

۱۴ - ظفر نامه ناصری یا نصرت نامه منظوم از میرزا عباسعلی

صفا. (۹)

۱ - اته : تاریخ ادبیات فارسی ص ۶۷ .

۲ - ریو : جای مذکور ص ۱۰۳۸ ؛ س. م. عبدالله ، فهرست نسخه های

خطی دانشگاه پنجاب ، لاهور ۱۹۴۲ م ؛ ایرج افشار ، جای مذکور ص ۳۶۰ .

۳ - در لاهور بسال ۱۸۷۶ م و در دانشگاه پنجاب بسال ۱۹۲۷ چاپ

شده است ، رش : ایرج افشار ، جای مذکور ص ۳۶۰ .

۴ - Ranjit Singh

۵ - Lord Lake

۶ - بسال ۱۸۷۱ در لاهور بطبع رسیده است ، رش : ایرج افشار ، جای

مذکور ص ۳۶۰ .

۷ - Göbind Singh

۸ - رش : ایرج افشار ، جای مذکور .

۹ - طهران ۱۲۷۵ هـ ق سنگی ، رفعی ، مصور ، ۱۵۷ ص .

مصنف ظفر نامه یا صاحب اصلی سخنان آن

در هیچ يك از مدرکهای فارسی و عربی پیش از ایلغار مغول تا آنجا که راقم این سطور اطلاع دارد ذکری از ظفر نامه و تعلق آن به بزرگمهر نیست و در مقدمه نسخه‌های ظفر نامه نیز در باره صاحب سخنان آن روایتهای مختلف آمده است :

در بعضی از آنها پرسشها از انوشروان است و پاسخها از بزرگمهر^(۱) (خردنامه) .

در بعضی پرسشها از بزرگمهر است و پاسخها از استادش^(۱) ارسطاطالیس (نسخه دیوان هند = ایندیا آفیس) ۲۱۷۳ (۲) و (۱۶۱۰) . در بعض دیگر پرسشها از بزرگمهر است و پاسخها از استاد^(۲) (نسخه مطبوع در تاریخ گزیده و نسخه کتابخانه مرادما) .

در بعض دیگر پرسشگر نا معلوم و پاسخگو بزرگمهر است (نسخه کتابخانه موزه بریتانیا بنشان Or. ۷۸۶۳^(۲) و نسخه چاپ شده در مجله ارمغان) .

در نسخه خردنامه^(۳) چنین آمده است : گفتار اندر سؤالهای انوشروان عادل از بزرگمهر حکیم .

«نوشروان عادل بزرگمهر حکیم را گفت یا حکیم باید که ما را

۱ - راجع به خسرو انوشروان و بزرگمهر و فواید و فصولی که از آنان در بعضی تألیفات و نوشته‌ها منقول است در حواشی و توضیحات خردنامه بحث خواهیم کرد .

۲ - از این نسخه فقط در این مقدمه استفاده شده است .

۳ - که در سلخ ربیع الاول سنه ۵۹۴ یا ۵۷۴ (کلمه تسعین را در اینجا از نسخه خردنامه سبعین نیز می توان خواند) پایان یافته و از آن فقط در این مقدمه بهره‌یابی شده است .

خبردهی و آگاه‌کنی از مسأله‌هایی که ما را مشکل افتاده است و جواب‌دهی بنیکوترین وجهی تا ما را معلوم گردد و شك از دل ما بر خیزد بزرجمهر گفت ایها الملك پیرس از آنچه ترا مشکل است « (۱).

و این روایت قدیمترین و طبیعی‌ترین روایتها در نسخه‌های موجود است و با آنچه در «پندنامک و زرگ‌میتز» که «بفرمان خسرو شاهنشاه ایران» (۲) نوشته شده و نظام ترجمه گونه آن در شاهنامه فردوسی (هر چند ظفرنامه و پندنامک باهم بستگی ندارند) آمده نیز بیشتر موافقت دارد (۳).

در تاریخ‌گزیده حمدالله مستوفی آنجا که مؤلف متن رساله منظور را آورده آمده است :

«بزرجمهر وزیر نوشروان عادل بود و مردی نژاد [ظ. نژاده] از سخنان اوست پنج چیز بقضا و قدر است (۴) . . . بزرجمهر گفت از استاد پرسیدم از خدای تعالی چه چیز خواهم تا همه چیز خواسته باشم گفت...» در مقدمه نسخه کتابخانه مراد ملا (ح) آمده است :

«چنین گویند که در روزگار نوشروان عادل هیچ چیز عزیز تر از

۱ - رش : خردنامه چاپ نگارنده ص ۱۸ .

۲ - رش : مجله مهر سال اول ش ۱۰ ص ۷۸۹ .

۳ - روشن است که غرض نگارنده از ذکر قدیمترین و طبیعی‌ترین روایتها « بهیچوجه بیان اصالت و حکم بساحت روایت منظور نیست چه اساساً قول انتساب مجموعه اندرزهای معروف بظفرنامه را بزرجمهر استوار نمیداند غرض ملاحظه این امر است که هر چند این روایت از حیث تاریخی صحیح نمینماید از حیث منطقی نسبت بروایت‌های دیگر بیشتر در خور قبول است .

۴ - این سخنان در سایر نسخه‌های ظفرنامه نیست و ظاهراً از آن کتاب نباشد و پس از آن جملات «بزرجمهر گفت...» آمده است .

حکمت نبود و هیچ جنس مردم بزرگوارتر از اهل حکمت نبودند و هیچ هدیه پیش او نبردندی شریفتر از حکمت گویند روزی بزرگمهر ودانیان پیش او رفتند و شروان ایشان را گفت خواهی که کتابی جمع کنم سخت نیکو و لطیف بلفظ کوتاه و بمعنی تمام و خواندن آسان چندانکه مرا بدین جهان و بدان جهان بکار آید و ما را یادگار ماند بزرگمهر یکسال روزگار بُرد و آن کتاب تألیف کرد و ظفر نامه نام نهاد و پیش شروان بُرد و شروان زیادت شهری بدو بخشید و فرمود تا بزرگمهر و بخزانه فرستاد بزرگمهر گفت من آن مثالها (۱) از استاد خویش می پرسیدم بر روزگار و او جواب همی داد آغاز مسائل گفتم از خدای عز و جل چند [ظ. چه] چیز خواهم که همه نیکی خواسته باشم گفت ...

در نسخه کتابخانه موزه بریتانیا (مجموعه بنشان ۷۸۶۳ Or.) که تاریخ تحریر آن ظاهرأ ۷۶۱ هجری است (۲) چنین آمده است :
 «... آورده اند که در زمان شروان عادل هیچ چیز عزیزتر از حکمت نبود و هیچ جنس مردم بزرگتر از حکیمان نبودند [و شروان] همواره در طلب حکمت بوزی و هر تحفه و هدیه که بخدمت وی بردندی حکمت از همه دوستر داشتی روزی بزرگمهر را که استاذ (۳) و وزیر وی بود فرمود که خواهی که کتابی جمع کنی بغایت خوب و پسندیده بلفظ کوتاه و بخواندن آسان و بمعانی فراوان چنانکه منفعت آن بدین

۱ - چنین است در اصل ، ظاهرأ «مسألهارا» صواب باشد .

۲ - رش : کتاب تحفة الملوك باهتمام «کتابخانه» تهران ۱۳۱۷ ه.ش
 مقدمه (ظاهرأ بقلم علامه تقی زاده) ص و - ح

۳ - نگارنده روایت نسبت استادی و شاگردی بزرگمهر و شروان را در مأخذهای قدیم ندیده است .

جهان و بدان جهان ظاهر کرد چون بدان عمل کنم بر نیکوییها ظفر
یا بم و جمهور رعایا در رفاهیت باشند و جهان معمور شود و پس از ما
آثار عدل ما در جهان یاذگار ماند و مهتران و کهتران را فایده ها دهان
[چنین!] او بر حکم اشارت این کتاب را بساخت و نامش را ظفر نامه نهاد
و بخدمت نوشروان عرضه کرد بغایت پسندیده افتاد شهری بوی
بخشید و بفرمود تا بزر بنوشتند هر روز یک بار بخواندی و بدان کار
کردی بزر جمهر میگویند این سؤالات را جواب می گفتیم و بعد از
آن جمع کردیم و عرضه داشتیم گفت پرسیدم که از حق تعالی چه چیز
خواهم تا همه نیکوییها خواسته باشم گفتا...

در نسخه کتابخانه ملی پاریس (= شفر) بنشان ۱۴۱۵ متمم فارسی
(که تاریخ تحریر آن ۱۵ ذی القعدة ۸۸۱ هجری است) آمده است:
«... در روزگار انوشروان عادل هیچ^(۱) چیز از حکمت عزیزتر
نبود و حکماء آن عصر همه متقی و پرهیزگار بودند. یک روز انوشروان
ابوزر جمهر را طلب کرد و گفت می خواهم سخنی چند مفید در لفظ اندک
و معانی بسیار جمع سازی چنانکه در دینی [چنین! ظاهراً دینی] و عقبی
سودمند باشد ابوزر جمهر یکسال مهلت خواست و این چند کلمات را
جمع کرد و ظفر نامه نام نهاد و بنزد انوشیروان [چنین!] برد اورا
خوش آمد و شهری در اقطاع او بیفزود و فرمود که این کلمات با بزر نوشتند
و دائم با خود می داشت و اکثر اوقات بمطالعه این کتاب مواظبت می نمود.
» ابوزر جمهر زبان بگشاد و گفت از استاد خود استفادت می نمودم

۱ - مطالب منقول بر رسم الخط جدید مبدل شده است، رش: نمونه

سخن فارسی گرد آورده دکتر مهدی بیانی (نهران ۱۳۱۷ ش) ص ۲۰.

و او جواب می گفت (۱) گفتم ای استاد از خدا ... گفت ...»

در نسخه کتابخانه دیوان هند (= ایندیا آفیس) بنشان ۲۱۷۳ (۲) آمده است: ... بدانکه آورده اند که روزی نوشیروان عادل که خواجه بزرگمهر حکیم او بود (۳) [در نسخه ۱۶۱۰: ... عادل خواجه بزرگمهر را که وزیر بود] طلب کرد و فرمود که برای من کتابی پرداز بزرگ و خورد [چنین!] و آسان و مشکل چنانچه درین جهان کار آید و در آن جهان راه راست نماید و از بعد من یادگار بماند و عزیز دلها گردد خواجه بزرگمهر برخاست و بر خواجه ارسطاطالیس (۴) رفت و گفت ای استاد امروز پادشاه مرا کار عظیم فرموده است که تجربه در من راه نیافت و عیش مرا منغص گردانیده است ارسطو گفت [کدام کار فرموده است] گفت کتابی فرموده است آسان و مشکل خورد [چنین!] و بزرگ الفاظ خوب و عبارت مرغوب چنانچه در هر دو جهان کار آید و راه راست نماید [ارسطاطالیس گفت] (۴) نیکو فرموده است چند سؤال بر صورت معما دینی [چنین! در نسخه ۱۶۱۰: معمای از سؤالها] باید پرداخت

۱- بر طبق این روایت معلوم میشود که بزرگمهر پس از سالی که برای گردآوری این سخنان مهلت خواسته بود پرسشها و پاسخهای خود و استاد (۳) خود را جمع کرد و بنزد خسرو انوشیروان برد.

۲- در نسخه ایندیا آفیس ۱۶۱۰ (رش: فهرست نسخه های فارسی کتابخانه دیوان هند - ایندیا آفیس - لندن) تألیف هرمان انه (اکسفر د ۱۹۰۳) و نسخه موزه بریتانیا بنشان ۸۹۹۴ نیز بتقریب همین روایت ثبت است. از نسخه های مذکور فقط در این مقدمه استفاده شده است.

۳- معلوم است که ارسطو و بزرگمهر همزمان نبوده اند و روایت رابطه استادی و شاگردی آنها بر اساسی نیست، نیز رش: ایرج افشار، ظفر نامه، نامه ماهانه یغما سال ۶ ش ۹ ص ۳۵۸ و ح ۲.

۴- چنین است در نسخه ایندیا آفیس ۱۶۱۰ (نقل از نسخه بخط آقای مینوی).

و آغاز مشکل نماید چون فهم شود آسان گردد و الفاظ نیک و بزرگ باشد [و در کاغذ خورد (چنین!) نوشته شود]^(۱) فرمود که سؤال کن خواجه بزرگمهر سؤال می کرد و استاد جواب میداد چون هفته (۲) بگذشت مرتب کرد پیش ملک برد چون پادشاه مطالعه گردانید [چنین!] بسیار خوشحال شد و فرمود که این کتاب را با آب زرد بنویسند و نام این رساله ظفر نامه نهاده شد و هر روز مطالعه می کرد آغاز سؤال بزرگمهر پرسید که ای استاد اول از خدای ...»

در نسخه کتابخانه ملی پاریس مورخ سال ۱۰۵۶ هـ فرمان تصنیف کتاب از انوشروان است و پرسشگر بزرگمهر و پاسخگو استاد او ارسطاطالیس بزرگمهر در هفت روز این کتاب را مرتب کرد و آنرا در پیش انوشروان برد^(۳).

در نسخه جنگ خطی خانوادگی آقای محمد دبیرسیاقی : «بوزرجمهر یکسال مهلت طلبید و این کلمات را از استاد خود جمع کرد... بوزرجمهر گفت از استاد خود ارسطاطالیس حکیم پرسیدم که از خدا... گفت».

در نسخه خطی مورخ سال ۱۳۲۶ (پ) روایتی ضبط شده که با آنچه در بالا آورده شده مابینت دارد : «ابوزرجمهر یکسال مهلت خواست و این نصایح را جمع و فراهم آورد و انوشروان... پیوسته با خویش داشت بفرصت ایام این نصایح متین را از آن حکیم خردمند می پرسید بطریق استفاده و او جوابهای با صواب میداد بدین گونه گفتم از خدای...»

۱- رش : ذیل صفحه پیش ش ۴.

۲- در نسخه ایندیا آفیس ۱۶۱۰ «هفت روز».

۳- در این نسخه دستکاری بسیار شده است.

بنابر آنچه گذشت روایات منقول در بالا بیشتر پاسخ سؤالات ظفر نامه را از بزرگمهر میدهند. این امر نیز، اگر چه اتفاقی بنظر می آید، درخور ذکر است که برخی از پرسش‌ها و پاسخهای مذکور در ظفر نامه با سؤالاتها و جوابهای مضبوط در بزمهای هفت گانه خسرو انوشروان بابزرگمهر و مؤبدان که فردوسی در شاهنامه بنظم آورده مشابهت و نزدیکی دارند و موارد ذیل از آنهاست :

ظفر نامه ص ۱-۲ :

... گفتم از خدای چه خواهم که همه چیز خواسته باشم؟ گفت سه چیز:

تندرستی و توانگری و ایمنی .

شاهنامه (چاپ امیر بهادری) ج ۴ ص ۱۴ :

دگر گفت^(۱) کای مرد روشن خرد

که سرت از بر چرخ می بگذرد

کدام است خوشتر مرا روزگار

ازین بر شده چرخ نا پایدار

چنین داد پاسخ سخنگوی باز

که هر کس که شد ایمن و بی نیاز

زمانه بخوبی و را داد داد ...

ظفر نامه ص ۷ :

گفتم هیچ هنر بود که بهنگامی عیب گردد؟ گفت سخاوت بامنت بود.

و در ص ۱۲ :

۱ - در شعرهای مذکور همه جا پرسشگر خسرو انوشروانست و پاسخگو

بزرگمهر .

گفتم اندر جهان چه نیکوتر است ؟ گفت تواضعی بی مذلت . . .
وسخاوتی نه از بهر مکافات .

و در ص ۱۹ :

گفتم نیکوئی بچند چیز تمام شود ؟ گفت بتواضع بی توقع و
بکرم و سخاوت بی منت و بخدمت بی طلب مکافات .

شاهنامه ج ۴ ص ۱۳ :

دگر گفت کز ما چه نیکوتر است

که بر دانش بخردان افسر است
چنین داد پاسخ که آهستگی

کریمی و رادی و شایستگی
فروتن کنند گردن خویش پست

ببخشد نه از بهر پاداش دست

ظفر نامه ص ۱۹ :

گفتم چند چیز است که زندگانی بدان آسان توان کرد ؟ گفت سه چیز :
پرهیزکاری و بردباری و بی طمعی .

شاهنامه ج ۴ ص ۱۴ :

چه سازی که کمتر بود رنج تن	پرسید دیگر که در زیستن
دلش بردبار است رامش برد	چنین داد پاسخ که گر باخرد
ببندد در کثرتی و کاستی	بداد و ستد در کند راستی
نباشد سرش تند و نابردبار	ببخشد گنه چون شود کامکار (۱)

در مورد ذیل مفاد دو قول منسوب به بزرگمهر همسان نیست :

۱ - ظفر نامه ص ۷ :

گفتم چه چیز است که بر دلیری نشان بود ؟ گفت عفو کردن در قدرت .

ظفر نامه ص ۴ :

گفتم کارها بکوشش است یا بقضا ؟ گفت کوشش قضا را سببست.

شاهنامه ج ۴ ص ۳ :

از ایشان یکی بود فرزانه تر بپرسید از او از قضا و قدر
چنین داد پاسخ که جوینده مرد جوان و شب و روز در کار کرد
بود راه و روزی برو تار و تنگ بجوی اندرون آب او باد رنگ
یکی بیهنر خفته بر تخت بخت همی گل فشاند برو بر درخت
چنین است رسم قضا و قدر ز بخشش نیابی بکوشش گذر
اما در آنجا که فردوسی پند نامه بزرگمهر را بنظم آورده است (۱)
قول بزرگمهر در این باب با آنچه در ظفر نامه آمده سازگارتر است :

وزان پس بپرسید کسری از او

که ای نامور مرد فرهنگجوی

بزرگی بکوشش بود یا ز بخت

که یابد جهاندار از او تاج و تخت

چنین داد پاسخ که بخت و هنر

چنانند چون جفت با یکدیگر

چنان چون تن و جان کد یارند و جفت

تنومند پیدا و جان در نهفت

همان کالبد مرد را کوشش است

اگر بخت بیدار در جوشش است

بکوشش بزرگی نیاید بجای

مگر بخت نیکش بود رهنمای

ترجمه فارسی این قسمت از پندنامه بزرگمهر چنین است :

« ۵۶ - چیزیکه بمردمان رسد ببخت بود یابه کنش ؟ - بخشش و کنش بایکدیگر چنان اند که تن و جان ، چه تن بی جان کالبدی بیکار است و جان بی تن بادرناگر فتنی است ، و چون بایکدیگر آمیخته باشند نیرومند و سودمند باشند .

« ۵۷ - بخت و کنش چیست ؟ - بخت نیز کنش نهانی است که بمردمان داده شده است . » (۱)

مترجم کتاب

در مآخذ هائی که بمارسیده اولین مأخذ که در آن ترجمه ظفر نامه از پهلوی به فارسی دری به شیخ رئیس ابوعلی سینا نسبت داده شده کتاب کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون مصطفی بن عبدالله معروف بحاجی خلیفه و بکاتب چلبی (۱۰۱۷-۱۰۶۷ هـ) است مؤلف مذکور در این باب گوید (۲) : « ظفر نامه - اسم اسئله انوشروان (ملک العجم المشهور) واجوبه بزرجمهر علی لغة الفهلوی دونها انوشروان ثم امر

۱ - ارتور کریستن سن ، داستان بزرجمهر حکیم ، ترجمه عبدالحسین میکده (رش : مجله مهر سال ۱ ش ۱۰ ص ۷۹۱) .

۲ - کشف الظنون (چاپ استانبول ۱۹۴۳ م) ج ۲ ص ۱۱۲۰ . آقای سعید نفیسی در حواشی قابوس نامه (ص ۲۳۵) نوشته اند : « رساله ای با اسم ظفر نامه شامل سؤالاتی که انوشروان از بزرگمهر وزیر خویش کرده و جوابهای که وی بقیه در ذیل صفحه بعد

نوح بن منصور السامانی وزیر ابن سینا بنقله الی الفارسیة فنقله .» (۱)
در این عبارت چند امر محل نظر است :

ترکیب عربی و فارسی ظفر نامه نمی تواند نام کتاب محتوی
پرسشهای انوشروان و پاسخهای بزرگمهر بزبان پهلوی باشد و اگر
سؤالات و جوابهای منظور واقعاً صورت گرفته و خسرو انوشروان
بتدوین آن پرداخته یا فرمان داده نام آن مجموعه بی شک جز «ظفر»
نامد بوده است .

ابوالقاسم نوح بن منصور سامانی ملقب به امیر منصور یا امیر
رضی در یازدهم شوال ۳۶۵ هجری (و بقول ابن الاثیر در سال ۳۶۶
هجری) در سن ۱۳ سالگی بیادشاهی رسید و در جمعه سیزدهم
رجب سال ۳۸۷ هجری درگذشت و ابن سینا که هنگام مرگ او جوانی
هفده (یا بتقریب هجده) ساله بود وزیر او نبود و در دولت سامانیان
(که در ۳۸۹ هجری بسر آمد) منصب وزارت نیافت و مطابق مفاد رساله

داده است و ترجمه فارسی آن را بشیخ الرئيس ابوعلی سینا نسبت میدهند و در
مقدمه آن مذکور است که از زبان پهلوی در زمان سلطنت نوح بن منصور
(۳۶۶-۳۸۷) پادشاه سامانی ترجمه شده ...» نظیر این نوشته در کتاب فلسفه
اسلام (آلمانی) تألیف ماکس هورتن ص ۲۱۸ و جشن نامه ابن سینا ص ۵۹
و مقدمه پیروزی نامه ص ۹ و ۱۲ و ۳۲-۳۵ و ۳۹ و ۴۲ و ۴۵-۴۶ دیده میشود.
لکن در مقدمه هیچیک از نسخه های متعدد ظفر نامه که بنظر نگارنده رسیده
مطلبی مربوط باینکه ظفر نامه از زبان پهلوی در زمان نوح بن منصور سامانی
ترجمه شده مذکور نیست و این خبر را اول بار حاجی خلیفه (۱۰۱۷-۱۰۶۷ هـ)
در کشف الظنون آورده است .

۱- «ظفر نامه - اسم (کذا) پرسشهای انوشروان (شاه مشهور ایرانیان)
و پاسخهای بزرگمهر بزبان پهلوی که انوشروان آنرا تدوین کرد (کذا)
سپس نوح بن منصور سامانی وزیر خویش ابن سینارا (کذا) بگردانیدن آن بزبان
فارسی فرمان داد پس ابن سینا آنرا بگردانید »

سرگذشت^(۱) یکسال بیشتر (سال ۳۸۷ که سال مرگ نوح است) در دربار امیر نوح بن منصور نبوده است.

شیخ رئیس زبان پهلوی نمیدانست و در رساله سرگذشت که حاوی قسمتی از گفته های خود اوست و در تألیفات او هیچ قرینه و شاهی باشنائی او باین زبان موجود نیست.

ابن سینا تا آنجا که اطلاع داریم بکار ترجمه نمی پرداخته است و از او کتابی که مستقیماً و مستقلاً از زبان دیگر به عربی یا فارسی درآمده باشد سراغ نداریم و در هیچ جائیز اشارتی نیست که او تألیفی از دیگران را بفارسی گردانیده باشد.

اسم ظفر نامه در جزو کتابهای او که خود نام برده یا شاگردش ابو عبید جوزجانی فهرست کرده یا متقدمان ثبت آورده اند دیده نمی شود. سبک تعبیر و اسلوب انشاء ظفر نامه با آنچه در این باب در تألیفات فارسی شیخ رئیس دیده میشود اختلاف دارد.

ابن سینا گاه به ملاحظات مختلف در نوشته های خود سخنان نصیحت آمیز و کلمات حکمت آموز آورده^(۲) یا دیگران از گفته ها و مذهب

۱- رش: رساله سرگذشت چاپ نگارنده ص ۱۲ و ترجمه فارسی آن ص ۵۵.

۲- مانند آنچه در نامه های شیخ (مثلاً پاسخ او به شیخ ابوسعید ابوالخیر

که در برخی نسخه ها وصیه ضبط شده، رش: طبقات الاطباء ج ۲ ص ۱۹ و بروکلمن ذیل تاریخ ادبیات عرب ج ۱ ص ۸۲۸ و ۹۵ و در خطبه ها و عهد وی که ظاهراً انتساب بعضی آنها از همان زمان حیات شیخ بوی معمول شده بود (رش: ابن ابی اصیبه طبقات الاطباء ج ۲ ص ۱۹) آخر و فهرست نسخه های مصنفات ابن سینا تألیف دکتر بهیج مهدوی ص ۱۸۲-۱۸۳ و ۲۶۵ و ص ۹۸-۱۰۰ و ص ۳۱۶) شیخ رئیس را در مواظط و نصایح و کلمات حکمت آمیز صاحب تألیفات ذیل شمرده اند:

۱- خطبة الشيخ (= الخطبة الغراء) که نصایح دینی است، رش: فوق

۲۲۰ (طبع Golius و طبع نفیسی در مجله شرق ...) بقیه در ذیل صفحه بعد

فلسفی او جوامع و استخراجاتی از این نوع کرده‌اند^(۱) ولی او تا آنجا که اطلاع داریم بجمع اندرز و تدوین پندنامه نپرداخته و باین نوع تألیفات چندان عنایت نداشته است. نتیجه آنکه ظفر نامه را نمی‌توان ترجمه یا اثری از شیخ رئیس ابوعلی سینا دانست و روایت منقول در حاجی خلیفه و رأی کسانی که آنرا مقبول شمرده‌اند^(۲) صحیح نمی‌نماید و ممکن است که سخنان اندرز گونه ظفر نامه را که منسوب به بزرگمهر حکیم بوده اگر واقعاً بزبان پهلوی وجود یافته بود شخصی بنام ابوعلی

← ۲ - العهد، رش: رسالة سرگذشت چاپ نگارنده ص ۲۵ و ۶۰ و دکتر مهدوی، جای مذکور؛ فهرست قنوانی شماره ۲۳۲؛ نسخه چاپی در حاشیه شرح هدایة الاثرية ص ۳۳۶ و ما بعد و تسع رسائل چاپ استانبول و مجموعة الرسائل طبع قاهره ۱۳۲۸ ص ۲۰۳ - ۲۱۰).

۳ - رسالة فی کلمات الصوفية (که به سهروردی مقتول نیز منسوبست)، رش: دکتر مهدوی، جای مذکور ص ۲۹۱؛ فق ش ۲۳۶؛ بروکلن ۱۲.

۴ - المواعظ، رش: دکتر مهدوی، جای مذکور ص ۲۰۰؛ فق ش ۲۴۰ و ۲۴۳؛ ارکین ۱۹۲ و ۲۰۱؛ بروکلن III ۶۸.

۵ - نصاب الحکماء للاسکندر، رش: دکتر مهدوی، جای مذکور ص ۲۴۱؛ فق شماره ۲۵۵؛ ارکین ۲۰۰؛ بروکلن II ۹۵ (نسخه نور عثمانیه بنشان ۴۸۹۴، ۳۷ سطر ورقه ۲۵۲).

۱ - دو چشم سر ز نور عقل گردد روشن در رهبر - چنین گفتست در اسرار خواجه ابوعلی سینا. دیوان سنائی ص ۵۳۵. «دنباله آن عمل نیک آنست که مبنی بر نیت خیر و خالص باشد و نیت خالص از پیشگاه علم صادر میشود. حکمت سرچشمه تمام فضائل است، نقل از مکتوب و نصایح (= وصیه) شیخ الرئيس بشیخ ابوسعید ابوالخیر بنقل آقای دبستانی مجله آینه سال اول ص ۴۳۸ و در بعض کتب اخلاقی همچون اخلاق ناصری و اخلاق جلالی نیز این کار صورت گرفته است.

۲ - رش: سالنامه پارس سال ۱۳۱۱ ص ۳۷

ترجمه کرده و بعد دیگران تصور کرده باشند که مترجم ابوعلی سینا بوده است^(۱) و نیز ممکن است^(۲) که روایت اصلی ظفر نامه بر روزگار امیر ابو صالح منصور بن نوح (۳۵۵-۳۶۶ هـ) (در کشف الظنون در این مورد نام پسرش آمده) و فرمان او، بهمت دستورش ابوعلی محمد بن محمد بن عبدالله تمیمی بلعمی معروف به امیرك (م. ظ ۳۸۶ هـ) بفارسی ترجمه شده باشد و بعد دیگران از عنوان دستور و کنیه ابوعلی تصور کرده باشند که مقصود ابوعلی سیناست و او را وزیر امیر سامانی و مترجم کتاب منظور نوشته باشند.

ایران شناس معروف استاد ارتور کریستن سن دانمارکی در کتاب داستان بزرگمهر حکیم^(۳) گوید: (۴) «راجع بکلمات بزرگمهر چندین مجموعه در زبان فارسی موجود است. حاج خلیفه بکتابی اشاره میکند^(۵) که شامل سؤالات انوشیروان و جوابهای بزرگمهر است که بامر امیر سامانی نوح بن منصور (۹۹۷-۹۹۶ میلادی برابر ۳۸۶ تا ۳۸۷ هجری) بوسیله وزیر او ابن سینا با اسم ظفر نامه از پهلوی بفارسی ترجمه شده است. يك كتاب ظفر نامه یافت میشود که شامل کلمات

۱ - چنانکه برخی از مؤلفان رساله دفع خوف از مرگ را که از ابوعلی مسکویه است با ابوعلی سینا نسبت داده اند. ناگفته نماند که ابوعلی مسکویه بنوع ادبی اندرز توجه داشته و مقداری از آنها از جمله آداب بزرگمهر را در جاویدان خرد آورده است.

۲ - هر چند مستبعد می نماید و سبب انشاء ظفر نامه نیز در مقایسه با تاریخ نامه بلعمی این امر را تأیید نمی کند.

۳ - ترجمه عبدالحسین میکده. مجله مهر سال اول ش ۶ و ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲.

۴ - جای مذکور ش ۷ ص ۵۳۵ - ۵۳۶.

۵ - چاپ فلوکل مجلد چهارم صفحه ۱۷۵ نمره ۱۵۰۸.

بزرگمهر است و ش. شفر (۱) آنرا در مجلد اول کتاب خود موسوم به «قطعات منتخبه فارسی» (۲) طبع کرده و تصور نموده است این همان کتابی است که حاج خلیفه (۳) بآن اشارت نموده است.

«این تصور به گمان من باین دلیل قابل تردید است که ظفر نامه که شفر طبع نموده کتاب حکم و مواعظ است که چنانکه از مقدمه آن مستفاد میشود بزرگمهر بر فرمان خسرو انوشیروان تدوین نموده که پس از پسندیدن فرمان داده است آنرا بزرگ نویسند.

«این کتاب ترجمه پندنامک پهلوی نیست بلکه کتابی است اصلاح شده که از مأخذ اصلی چنان دور افتاده است که بزحمت چهار پنج سؤال و جواب آن بایکدیگر تطبیق میکند.

«بجای گفت و شنود و مکالمات بهم پیوسته ولی قدری مشوش که در پندنامک یافت میشود ظفر نامه شامل یک سلسله سؤال و جوابهای مجزائی است که دارای هیچ رابطه منطقی نمیباشند. علاوه بر این چنانکه قبلاً دیدیم فردوسی در کتاب شاهنامه قسمتی از پندنامک را نقل نموده که هر چند قطعاً اصلاحاتی در آن شده معیناً با اینکه بزبان شعر است نکات مهم مأخذ اصلی را حتی در ترتیب مواد کاملاً رعایت نموده است بطور قطع میتوان دانست که مأخذ فردوسی ترجمه عربی پندنامک نبوده و ترجمه فارسی متن پهلوی پندنامک مأخذ مستقیم او بوده است زیرا فردوسی

۱ - Ch. Chefer

۲ - Chrestomatie Persane

۳ - شفر (مقدمه صفحه ۳ و مابعد) تصور می کند که مترجم همان فیلسوف معروف ابن سینا (او یسن) یا پدر او که در دربار سامانیان خازن بوده است می باشد.

مقداری زیاد لغت و جمله استعمال نموده که از لغات و جمل پندنامک پهلوی است که بصورت کلمات فارسی در آمده اند. در کتاب فردوسی و در کتابی که حاج خلیفه بدان اشاره میکند گفتگو از سؤالاتی است که انوشیروان میکند و جواب هائی که بزرجمهر میدهد ولی در ظفر نامه که شفرانتشار داده است، برخلاف آن دو بزرجمهر شاگردی است که از استاد و مربی خود که نامی از آن میبرد استفادت می کرده و او جواب می گفته است.

«بنابر این باید باور نمود که فردوسی که شاهکار خود را (تقریباً بین سنه ۹۹۵ و ۹۹۹ میلادی)^(۱) بر ابر ۳۸۵ تا ۳۸۹ هجری) در مملکتی که در تسلط سامانیان بوده فراهم می آورده است، برای تهیه این فصل منبعش ترجمه فارسی ای بوده است که در آن زمان بامر امیر سامانی بوسیله ابن سینا (قطع نظر از آنکه دارنده این اسم بزرگ را بشناسیم) ترجمه شده است.

«با این مقدمه ظفر نامه که شفر طبع نموده نباید از ابن سینا باشد و باید عبارت از افکار تازه باشد که با خاطرات مبهمی از نسخه اصلی باقی مانده بوده تلفیق داده باشند.»

و استاد در جای دیگر آورد^(۲): «مجموعه کلمات بزرجمهر که در تاریخ گزیده حمدالله مستوفی^(۳) موجود است جز نقل ظفر نامه غیر اصلی با تغییرات و تصرفات چیزی نیست.»

۱ - نولدکه حماسه ملی ایران، چاپ دوم صفحه ۲۶.

۲ - جای مذکور ش ۷ ص ۶۸۹.

۳ - چاپ برون (اوقاف کتب سری ۱۴ - اول) صفحه ۷۳.

و هم استاد در جای دیگر گوید^(۱): «در اواخر قرن دهم میلادی (قرن چهارم هجری) پندنامک^(۲) با اصلاحات و الحاقات لازمه برای موافق کردن آن با ذوق و فکر عامه مسلمین بفارسی ترجمه شد و این همان ترجمه است که فردوسی آنرا در شاهنامه [بشعر] آورده است^(۳)».

«ظفر نامه فارسی که امروز وجود دارد نیز همان ترجمه است که با تعبیرات [ظ. تغییرات] بیشتری آمیخته شده است.»
در نوشته استاد چند امر در خور توجه خاص است :

مجموعه مذکور در کشف الظنون حاجی خلیفه مشتمل بر «سؤالات انوشروان و جوابهای بزرگمهر که بامر امیر سامانی نوح بن منصور بوسیله وزیر او ابن سینا با اسم ظفر نامه از پهلوی بفارسی ترجمه شده»
و استاد آنرا اولین ظفر نامه فارسی خوانده با جمیع خصوصیات مذکور^(۴)
بدلایلی که پیش از این آوردیم وجود نیافته است تا منبع فردوسی در

۱ - جای مذکورش ۱۰ ص ۷۸۶ .

۲ - استاد کریستن سن پندنامک و زرگمهر را ساخته و پرداخته روحانیان زرتشتی در قرن نهم میلادی (قرن سوم هجری) میدانند جای مذکورش ۷۸۵ - ۷۸۶ نیز رش: ص ۴۶۲ و بعد ۵۳۶ و ۶۸۹ و ۷۸۹ - ۷۹۲ .

۳ - استاد کریستن سن بی حجتی استوار این ترجمه را «اولین ظفر نامه فارسی» نام نهاده (رش: جای مذکورش ۷۹۲) و ظفر نامه مورد نظر ما را «دومین ظفر نامه فارسی» خوانده است (رش: جای مذکورش ۸۷۵ - ۸۷۶).

۴ - روایت واحد و سکوت جمیع نویسندگان پیش از حاجی خلیفه - امر نوح بن منصور با ابن سینا که برای پزشکی بدرگشاه او خوانده شده بود - وزارت ابن سینا - نام ظفر نامه - پهلوی دانستن ابن سینا - پرداختن ابن سینا بکار ترجمه .

نظم پندنامه بوده باشد (۱) حاجی خلیفه هم آنچه آورده باز نمای روایت دستبرده کاتبان نابکار راجع به مجموعه پرسش و پاسخهای منظوم است و خود چنین رساله‌ای در دست نداشته والا بنا بر شیوه معمول خویش از آغاز آن چیزی نقل میکرد.

تصور شارل شفر هم که ظفر نامه موجود همان کتابی است که حاجی خلیفه بآن اشارت کرده در آن چه مر بوط بامیر سامانی و ابن سیناست بهمان دلایل باطل مینماید.

ظفر نامه فعلی چنانکه استاد کریستن سن بحق در يك جا (۲) نوشته است ترجمه پندنامك پهلوی منسوب به بزرگمهر نیست و رأی بر اینکه «کتابی است اصلاح شده که از مأخذ اصلی ...» (۳) دور افتاده یا اینکه «همان ترجمه [پندنامك و زرگمیت] است که با تغییرات بیشتری آمیخته شده» (۴) دور از صواب می‌نماید.

پندنامك پهلوی و ظفر نامه دو تألیف جدا و مستقل اند که تنها مفاد يك

۱- ولی تردید نیست که رساله پهلوی پندنامك و زرگمیت (= ایاتکار و زرگمیت = یادگار بزرگمهر) پیش از فردوسی یا در عصر او بفارسی درآمده بود و همین است مأخذ آن شاعر بزرگ که در آنچه در شاهنامه (چاپ امیر بهادری ج ۴ ص ۲۷-۲۹) زیر عنوان «پند دادن بزرگمهر نوشیروان را و سخن گفتن او در کردار و گفتار نيك» آمده است.

۲- جای مذکور ص ۵۳۶.

۳- عقیده کریستن سن، در جای دیگر رساله خود، رش: مجله مهر سال ۱ ش ۷ ص ۵۳۶.

۴- عقیده استاد در جای دیگر رساله، رش: مجله مهر ص ۲۸۶.

قول (۱) در آندو مطابق و دو (۲) قول (۳) اندکی نزدیک بهم است اما پند نامك منظور با آنچه فردوسی در شاهنامه نقل کرده چنانکه استاد کریستن سن نوشته است قطعاً بستگی دارد هر چند دانسته نیست که ترجمه بکار برده فردوسی در چه زمان و بخواست و کوشش چه کس انجام گرفته است. چنانکه پیش از این دیدیم در باره صاحب مجموعه گفت و شنودهایی که فعلاً ظفر نامه خوانده میشود در مقدمه های گوناگون نسخه های آن روایتهای مختلف ضبط شده و بر وفق یکی از آن روایتهای که در قدیمترین نسخه های موجود آن مجموعه محفوظست پرسشها با نوشتن و انویاسنها به بزرگمهر منسوب گشته و ظاهراً آنچه در کشف الظنون در این باب آمده انعکاس همین روایت است پس اختلاف روایت در باره پرسش کننده

۱ - مر بوط به کوشش و قضا (رش: ظفر نامه ص ۴ س ۴ - ۵) که در پند نامك به کنش و بخت تعبیر شده و با تفصیل بیشتر آمده است (رش: مجله مهر سال ۱۰ ش ۱۰ ص ۷۹۱ بند ۵۶) و در شاهنامه بکوشش و بخت یاد شده (رش: شاهنامه فردوسی چاپ امیر بهادری ج ۴ ص ۲۸: وزان پس پیرسید کسری از وی...) .

۲ - نه «چهار پنج سوال و جواب» چنانکه در رساله استاد کریستن سن آمده است.

۳ - این قول پند نامك: (جای مذکور ص ۷۹۲) «که مستمندتر؟ درویش نابخرد کجرو» با این گفت و شنود ظفر نامه ص ۱۰ س ۳ - ۴: «گفتم درین جهان که بدبخت تر؟ گفت درویش که تکبر کند» قول پند نامك در شاهنامه فردوسی (چاپ امیر بهادری ج ۴ ص ۲۸) بدین صورت است:

بدو گفت کاندرا جهان مستمند

چنین داد پاسخ که درویش زشت

و دیگر این سوال و جواب مذکور در شاهنامه (ج ۴ ص ۲۸):

بدو گفت کسری که رامش کراست

چنین داد پاسخ که آن کو زبیم

با فقره ذیل در ظفر نامه (ص ۹) ... گفتم بقر از مرگ چیست؟ گفت

بیم و درویشی.

و پاسخ دهنده که ناشی از گوناگونی مقدمه‌های الحاقی است دلیل و نمودار اختلاف وجدائی و اصلی و غیر اصلی بودن ظفر نامه‌ای که حاجی خلیفه بدان اشاره کرده و ظفر نامه‌ای که شفر انتشار داده (و مجموعه «سخنان بزرگمهر» که در تاریخ گزیده حمدالله مستوفی موجود است) نتواند بود.

سبب تألیف ظفر نامه

بنا بر آنچه از مقدمه‌های گوناگون ظفر نامه بر می آید سبب تألیف کتاب جواب دادن بمسألهائی است که بر خسرو انوشروان مشکل افتاده است تا علم بآنها حاصل شود و شك از دل برخیزد^(۱). یا جمع کتابی نیکو و لطیف بلفظ کوتاه و بمعنی تمام و خواندن آسان از بهر انوشروان چنانکه بدین جهان و بدان جهان بکار آید و خسرو را یادگاری ماند.^(۲) یا فراهم آوردن کتابی... که چون بدان عمل کنند بر نیکوئیها ظفر یابند و جمهور رعایا در رفاهیت باشند و جهان معمور شود و پس از خسرو، آثار عدل او در جهان یادگار ماند و مهتران و کهتران را فایده‌ها دهد^(۳). اما روشن است که آنچه در این مقدمه ها آمده جز روایت مقدمه نسخه مضبوط در خردنامه که تا حدی ممکنست نماینده غرض جامع رساله اصلی باشد^(۴) بقیه اعتبار و ارزش تاریخی ندارد و با مطالعه آنها معلوم میشود که بیشتر آن سبب سازهایی پیرایه هائی است که متأخران چنانکه در موارد دیگر نیز بنظر میرسد بتدریج بر نسخه اصلی بسته‌اند.

۱- خردنامه (چاپ نگارنده ص ۱۸).

۲- رش: مقدمه نسخه کتابخانه مراد ملا (حمیدیه).

۳- رش: مقدمه نسخه کتابخانه موزه بریتانیا (مجموعه بنشان ۶۳ ۵۷۸۶۳).

۴- باین اندازه که پاسخهایی بیعضی از سؤالات پراکنده اخلاقی داده شود.

تاریخ تألیف رساله

زمان انشاء یا ترجمه مجموعه اندرز هائی که فعلاً بنام ظفر نامه معروفست بدرستی معلوم نیست ولی محققاً بسیار قدیم است زیرا سبک آن در جمله های کوتاه و تجزیه مطالب و تقسیم آن بر جمله های کوچک و اثبات هر فعل در جای خود و پرهیز از حذف افعال بقرینه و تکرار يك كلمه در جمله های پیاپی بدون استفاده از ضمیر یا كلمه مشابه و مترادف و تکرار واو های عاطفه و ایجاز و اختصار و سادگی در مطالب و پرهیز از آرایش کلام و قلت نسبی لغات عربی و ترکیب عبارت و شکل جمله بندی از حیث ساخت نحوی و طرز و طریقه تعبیر بازبان پهلوی و زبان دری عصر سامانیان و اوایل غزنویان نزدیکی دارد و شیوه آن مانند بسیاری از پند نامه های دیگر فارسی بیشتر تحت تأثیر شیوه اندرز نامه های پهلوی است.

بادر نظر گرفتن اختلاف نسخه های ظفر نامه ثابت میشود که در انشاء آن بتدریج تصرفاتی کرده و آنرا بصورت تازه تر در آورده (۱) و حتی گاهگاه جمله های باصل افزوده اند.

ذکر نام خسرو و انوشروان و بزرگمهر در این کتاب شاید قرینه ای بر قدمت آن باشد شیوه گفتار و سخن پردازی این مجموعه اندرز بابت بیشتر قطعه هائی که در کتاب مسمی به خرد نامه و ترجمه کتابهای

۱- مثلاً كلمه «اندر» را که تا اوایل قرن پنجم بجای در متداول بوده گاه بصورت اخیر مبدل کرده اند رش: ص ۳ س ۴ و ص ۶ س ۲ و ص ۷ س ۵ و ص ۱۰ س ۴ و ص ۱۲ س ۳ و ص ۱۴ س ۱ و ص ۱۵ س ۱ و ص ۱۳ و ص ۱۶ س ۲ و ص ۱۷ س ۵ و گاه «اندر» آورده اند: ص ۱۲ س ۶ و ص ۱۳ س ۲ و ص ۱۴ س ۳ و ۴.

پهلوی^(۱) آمده مشابیهت بسیار دارد اما هیچ دلیل محکم و قاطعی در این رساله بنظر نگارنده نرسیده که بانکای آن بتوان روایت فعلی آنرا ترجمه مستقیم متنی پهلوی دانست بلکه تحقیق و مطالعه کلمات و اصطلاحات این احتمال را قوت می بخشد که اندرزهای ظفر نامه ترجمه متنی عربی است که بظن قوی خود ترجمه متنی پهلوی بوده است و وجود کلمات عربی خاصه بعضی از آنها را در اندرزهای منظور باید بیشتر از تأثیر زبانی که از آن نقل شده دانست تا اثر و خصوصیت زبان عصری که اندرزها در آن نوشته شده است.

از این حیث کلمه های تازی و ترکیبات عربی الاصل که فارسی آنها در قرن چهارم و پنجم هجری بسیار متداول بوده و همچنین ترکیبات مختلط فارسی و عربی که در این رساله بکار رفته درخور تأمل و دقت است^(۲).

۱- که ترجمه گونه منظوم چهار رساله از آنها در کتاب شاهنامه فردوسی آمده است :

(۱) ایاتکار زریران (نظم دقیقی) .

(۲) کارنامک اردشیر پاپکان .

(۳) ایاتکار وزرگ میتر (= یادگار بزرگمهر = پندنامک و زرگ میتر = پندنامه بزرگمهر) .

(۴) ماد یکان چترنگک (یا گزارش شطرنجک و نهادن وینرد شیر) . رش : مقاله بهار مجله مهر سال ۲ ص ۴۸۸ .

۲- مثلاً: حذر - خسیس - حقیر - علم - عالم - عفو - قدرت - ضایع - مروت - بغیل - تکبر - ذل - فساد - عدل - حمیت - طمع - مکافات - خصلت - عز - حرص - عهد - همت - معاملات - مجهول - غریب - عبادت - عمل - فکر - نصیحت - خطا - استغفاف - علما - صادق - عاقل - حسب - کرم - حیلت - حاجت - ذخیره - استعجال در خیرات - تواضع بی مذلت - هر بصری از عالمان - اصل تواضع - علمی تمام - بد فعل - تواضع بی توقع - خدمت بی طلب مکافات - زیادت عبادت .

جمالانی از ظفر نامه عیناً در کتابهای فارسی قدیم دیده میشود (۱) و این نشان میدهد که مجموعه اندرزهای مذکور یا چیزی از آن نوع مشابه و مشترك با سخنان موجود در ظفر نامه پیش از آنکه نسخه فعلی خرد نامه نوشته شود (سال ۵۹۴) و حمد الله مستوفی اندرزهای موجود کنونی در ظفر نامه را در کتاب تاریخ گزیده (۷۳۰ هـ) بیاورد (۲) وجود داشته است لکن تعیین قطعی تاریخ تألیف یا ترجمه این اندرزها آسان نیست اگر با مطالعه دقیق مجموعه قطعات خرد نامه یا کشف نسخهای قدیمتر از نسخه موجود آن بتوان زمان گردآوری خرد نامه و کیفیت آن را معین کرد شاید مشکل تعیین زمان و تحریر اندرزهای ظفر نامه آسان گردد ظفر نامه بصورت کنونی لااقل از قرن هشتم مشهور و معروف و مورد توجه و اقبال بوده است و قرینه واضح و مؤید این امر فراوانی نسخه های آن و نقل آن بتمامی (۳) در چند کتاب قدیم می باشد.

روایت غیر مستقیم از ظفر نامه نسبتاً معدود است و تنها چند فقره از اندرزهای آن در کتابها (۴) بنظر رسیده و آنها ممکنست از ظفر نامه یا نسخه ای از خرد نامه یا تألیفی از آن نوع گرفته شده باشند.

راجع بنوع ادبی اندرز و رواج آن در ایران و اندرزهای مشابه با اندرزهای ظفر نامه در مقدمه و تعلیقات خرد نامه بحث خواهیم کرد.

۱- رش: غزالی، نصیحة الملوك ص ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۶ و ۱۳۰ و ۱۳۳.

۲- چنانکه گفتیم حمد الله مستوفی باین مجموعه نام ظفر نامه نداده و این عنوان را برای تألیف بزرگ منظوم خود اختیار کرده است.

۳- مانند تاریخ گزیده حمد الله مستوفی قزوینی و آثار الوزراء عقیلی

۴- مانند نصیحة الملوك غزالی و رسالة صناعة میرفندرسکی

وضع و ترتیب ظفر نامه

در صورت و وضع و ترتیب ظفر نامه اموری ملاحظه میشود که در بیشتر آثار نوع ادبی پند و اندرز مشهود است.

یکی از صورتهای اندرز نامه ها صورت پرسش و پاسخ است بدین نحو که شاگردی از معلم یا شاهى از وزیر ... (۱) سؤال میکند و مخاطب جواب میگوید و موعظه و نصیحت باین وضع انجام میگیرد ظفر نامه نیز اساساً مبتنی بر پرسش و پاسخ است صورت پرسش و پاسخ در ادبیات ایران معمول بوده (۲) و ما نمونه آنرا در رساله پهلوی ایاتکار وزرگ میتر (۳) (یادگار بزرگمهر = پند نامه بزرگمهر) می بینیم در شاهنامه نیز انوشروان یا «داندگان سخن» و حکیمان و مؤبد مؤبدان

۱ - شنیدم که بر شاه فرخ بود که دستور پاکیزه پاسخ بود...
تحفة الملوک ص ۶۹.

۲ - حتی در کتابهای غیر از نوع اندرز نامه مانند کتاب المحاوره فی الطب بینہ (یعنی بین حارث بن کلدہ ثقفی) و بین کسری انوشروان (رش : ابن ابی اصیبعه طبقات الاطباء ج ۱ ص ۱۱۳) . برای ترجمه این فقره رش : گنجینه معارف ش ص ۱۵ - ۱۹ .

۳ - این رساله در ضمن متنهای پهلوی جاماسب آسانا (بمبئی ۱۹۱۳) ص ۸۵ - ۱۰۱ چاپ شده و ترجمه درى متن پهلوی مأخذ مستقیم فردوسی در نظم پند نامه بوده است. (رش : شاهنامه فردوسی چاپ امیر بهادری ج ۴ ص ۲۷ - ۲۹ در زیر عنوان : پند دادن بزرگمهر نوشیروان را و سخن گفتن او در کردار و گفتار نیک، نیز رش : بهار سبک شناسی ج ۱ ص ۱۲۳؛ ارتو کریستن سن ، داستان بزرگمهر حکیم، ترجمه عبدالحسین میکده (مجله مهر سال ۱ ش ۶ ص ۴۵۵).

ودانایان و بخردان وردان^(۱) از بزرگمهر پرسش‌های متوالی میکنند و پاسخ آنها را می‌شنوند و بسیاری از سخنان منسوب بزرگمهر و انوشروان یا یکی از آندو نیز بر همین طریق پرسش و پاسخ سامان یافته است^(۲).

در این روش که نزد گروهی از دانشمندان اسلامی نیز بکار آمده گاهی متکلم و مخاطب هر دو معلوم اند و گاه متکلم مجهول و مخاطب معلوم است یا بعکس و گاهی هر دو ناشناس اند^(۳) و گاه نیز يك مؤلف سؤال‌هایی طرح کرده خود بآنها جواب میدهد.

نوع سؤال و جواب در این موارد متفاوتست و حتی گاه مطالب علمی یا شبه علمی بصورت سؤال و جواب مطرح میشود^(۴).

از خصوصیات این نوع ادبی رعایت ایجاز و اختصار در سؤال و جواب و خالی بودن آنها از حشو و زواید است و این صفت در ظفر نامه نیز مشهود است.

در سخنان پند و حکمت و اندرز و مواعظ نظم دستگاهی (سیستماتیک) و انتظام افکار کمتر دیده میشود و اغلب یافتن رشته پیوستگی و رابطه منطقی گردآوری آنها کاری دشوار است. آنچه در مرتبه اول مورد

۱ - رش : شاهنامه (چاپ امیر بهادری ص ۱۳ - ۱۸) ، بزمهای انوشروان بابرجمهر و مؤبدان .

۲ - رش : متن عربی سؤال و جواب بین آندو یا بین مردی ناشناس و بزرگمهر ، گنجینه معارف سال اول ش ۶ ص ۴ .

۳ - مثلا : تحفة الملوك ص ۹۲ : «از رسول پرسیدند... یا حکیمی را پرسیدند...»

۴ - مانند کتاب «فی البول علی طریق المسئلة والجواب» مقالة از حنین بن اسحق (رش : ابن الندیم ، الفهرست ص ۲۹۴) و کافی کناش بزرگ جبرائیل ابن عبیدالله بن بختیشوع (در پنج مجلد) که آنها را برای صاحب بن عباد کرد.

نظر کرد آوردگان مجموعه اندرزهاست اصل مفید و زنده بودن و بموقع آمدن و بجا نشستن و تنوع و گوناگونی و جلب خواننده و تأثیر در او^(۱) و دفع یکسانی و رفع ستوهی ناشی از تکرار است.

اندرزنامه‌ها اغلب نماینده مذهب فلسفی یا دینی خاص نیستند و از قید یک طریقه منظم اخلاقی آزاد اند آنچه در آنها محسوس است نتیجه ترکیب تعلیمات سودمند و عالی مذاهب اخلاقی و دینها یا ثمره تجربه عامه است بهمین ملاحظه در این اندرزها تعصب عقیدتی و خامی و سخت گیری و کافر شماری دیگران دیده نمیشود جانب بلند نظری و تساهل و تسامح ملحوظ گشته و حتی احیاناً باین امر سفارش شده است^(۲). در ظفر نامه نیز بتقریب این خاصیت حس میشود^(۳).

شمارش و تعداد در بسیاری از مجموعه‌های اندرز و حتی پند نامه‌های منظوم مقام خاص دارد و بعضی از رقمها مانند سه و چهار و پنج و هفت توجه بیشتر شده و از این حیث میتوان گفت که سخنان حکمت بصورت بیش از معنی منتظم است.

پندهائی را که در آن لفظ سه و چهار و پنج تکرار شده ثلاثیات و رباعیات و خماسیات^(۴) گویند در این اندرزها گاه صاحب آنها شناخته است

۱ - مثلاً رش : داستان حسین با غلام . تحفة الملوك ص ۸۸.

۲ - رش : مثلاً قابوس نامه ص ۱۸۳ (طبع نفیسی).

۳ - رش : ص ۷ و ۸ و ۱۲ و ۱۵ و ۲۲.

۴ - رش : لطایف الطوائف ص ۱۹۳ و ۱۹۵ برای ثلاثیات (اندرزهای سه لغتی یا سه گان سه گان) رش : ظفر نامه ص ۱ و ۴ و ۶ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۰ ; تحفة الملوك (با اهتمام کتابخانه طهران) ص ۸۸ ; سیرت ابن خفیف (چاپ ایرج بقیه حاشیه ذیل صفحه بعد

و گاه ناشناس و گاه در يك اندرز ظاهراً بملاحظه قرینه سازی
يك رقم تکرار میشود^(۱) و گاه رقم ذکر نمی شود ولی اندرز دارای چند
جزو است^(۲) و گاه پرسش بنحوی است که ذکر رقم یا شمارش چند
امر واجب می نماید^(۳).

ارزش فلسفی ظفر نامه

در ظفر نامه، اصلی اخلاقی که صفت فلسفی داشته و چنانکه در
تألیفات اخلاقی پیوسته و منتظم مشهود است، محور سخنان و مطالب
باشد، وجود ندارد و پرسش و پاسخهای جدا و پراکنده و حتی مشوش و
دور از استدلال آن مبتنی بر پیوندی منطقی یا تحقیقی عمومی در ماهیت
فعالیت اخلاقی بر وفق مذهب فلسفی خاص نیست. اما اظهار نظر ها
و تجربه ها و بیان احساساتی که در معنی و باطن بهم پیوسته اند و بصورت

افشار) ص ۲۱۴؛ عطار تذکرة الاولیاء (چاپ براون) ص ۱۶۸؛ منتخب جوامع
الحکایات ص ۱۹۸ و بعد؛ جامی بهارستان ص ۳۷؛ برای رباعیات (اندرزهای
چهار لغتی یا چهارگان چهارگان) رش؛ ظفر نامه ص ۸ و ۱۰ و ۱۵؛ تحفة الوزراء
چاپ عکسی ...؛ برای خماسیات رش؛ جامی، بهارستان ص ۳۴ ...

- ۱- ظفر نامه ص ۲۱؛ جامی، بهارستان ص ۳۷؛ حکمت؛ سه کار از سه
گروه زشت آید ...؛ تحفة الوزراء (ص ۹) چهار چیز عاقبت چهار چیز است ...
- ۲- ظفر نامه ص ۱۰-۱۱ و ۱۲-۱۳ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸-۱۹ و ۲۰
و ۲۱-۲۲. عطار؛ تذکرة الاولیاء (ج ۱ ص ۱۶۸)؛ «گفتند صحبت ...»
- ۳- ظفر نامه ص ۱۹؛ «گفتم چند چیز است که ...» «گفت سه چیز ...»
«گفتم با چند گروه نیکوئی بکنم ...» «گفتم نیکوئی با چند چیز تمام شود ...»

اندرز جلوه گر می شوند بتقریب باز نمای نظریه اخلاقی عمومی واحدی هستند که تاحدی راه پیشرفت بسوی مذهب و تعلیمات اخلاقی منتظم را نشان میدهند. ظفر نامه اصلاً يك تألیف ادبی تعلیمی است که از ملاحظات دینی و اندیشه های حکمت آمیز و نوادر و سخنان و محاورات ساده عارف و عامی بوجود آمده و هنر بزرگ نهفته آن ترکیب آن اجزاء و سازگار ساختن نسبی آنهاست ترکیبی که از حیث ارائه دستورهای اخلاقی مربوط بتدبیر و اداره امور شخصی و خانوادگی و اجتماعی درخور دقت است و اجزاء آن بیشتر راجع به کارها و مسائل حکمت عملی مورد علاقه و توجه همگان است این محاوره اخلاقی اگر از جنبه غیر منتظم بودن آن بگذریم از جهت صورت بی شباهت به بعضی از پند و اندرزها و گفتگوی اخلاقی قدما^(۱) نیست.

جنبه دینی این رساله نسبتاً ضعیف است و افکار زهد و پارسائی و آثار رفض^(۲) شهوات و گزیدن آن جهان و دست باز داشتن از این^(۳) و مجاهده نفس برای سلامت روحانی و بدینی و تلخکامی^(۴) جز در چند مورد در آن

۱- مثلاً محاورات Les Entretiens اپیکتتوس فیلسوف رواقی. (در باره این محاورات رش: کروازن، تاریخ ادبیات یونان ج ۵ ص ۴۵۷) و نیز دستورهای پلوتارخس راجع به خانواده (همانجا ج ۵ ص ۵۱۲).

۲- رش: ص ۱۷.

۳- ص ۸ و ۱۱ و ۱۷.

۴- رش: ظفر نامه ص ۶: تندرستی و راستی و شادی و دوست مخلص را کس بجمله ایافتست. و نیز ص ۱۱.

مشهود نیست^(۱) و در آن چند مورد هم ظاهراً نیرو و مایه کوشائی مذهب زرتشتی که این سخنان اساساً برانگیخته حس و فکر و عمل پیروان باهوی خواهان آنست^(۲) مانع میشود که قدرت و امید کار و اندیشه خیرسانی^(۳) بکلی از میان برود.

اعتقاد بخدا^(۴) و قبول تأثیر نسبی (نه مطلق) فضا (= بخت)^(۵) در بعضی از سخنان این رساله محسوس است ولی کوششی در فهم سامان و نهاد عالم یا خرده گیری از آن مشهود نیست و نظام آن بهمانگونه که هست پذیرفته شده است. جنبه عملی و انتفاعی عمومی دستورها و صفات جسمانی و اخلاقی و حقایق قلبی و عقلی و اجتماعی جاری که در حکمت های ظفر نامه جلوه گر گشته و بصورت تعبیرات متشکل و دستورهای سودمند زندگانی درآمده درخور ملاحظه است و اصول حکمت عملی که بآنها اشاره و سفارش شده هر چند چنانکه گفتیم انتظام یافته و وابسته بیک مذهب فلسفی معین نیست ولی بسبب روانی و سادگی گفتار

۱- اگر سخنان ظفر نامه از یک تن باشد یا گردآورنده سخنان پراکنده شخص واحد باشد باید گفت که او بر روی هم مردی بدبین نبوده است.

۲- ارتباط و پیوند بعض مطالب ظفر نامه با اصول مقبول مذهب زرتشتی (پرهیز از بدی و دروغ - راستی - داد - نیکوکاری - کم آزاری - دوری از کاهلی - امانت داری ...) واضح و آشکار است و می توان گفت که اگر از حیث صورت و شیوه حکمت های این مجموعه چنانکه پیش از این گفته شد تحت تأثیر شیوه اندرز نامه های پهلوی است از حیث فکر و معنی نیز ارتباط و پیوستگی بین آنها کاملاً محسوس و محفوظست.

۳- رش : ص ۸.

۴- ص ۷ و ۸ و ۹ - ۱۰ و ۱۷.

۵- رش : ص ۴.

و بکار بردن روش زنده پرسش و پاسخ در مطالب مربوط بجریان عادی زندگانی شخصی و اجتماعی افراد و نیازمندیهای اوضاع و احوال جامعه نسبتاً سالم^(۱) اعتبار و ارزش خاص دارد^(۲).

جنبه غیر شخصی بیشتر این حکمتها حکایت از طبع کاملاً اجتماعی و اجتماع دوست و ملاحظات و تجربه‌های سنجیده صاحب (یا صاحبان) و فراهم آورنده آنها می‌کند و معلوم می‌دارد که این اندیشه‌ها از جامعه‌ای که بعد قابل ملاحظه‌ای از تفکر اخلاقی و فضایل و صفات عالی اجتماعی رسیده بود تراویده است. جنبه کمال اخلاقی فرد و میل بتکمیل او نیز نیرومند و آشکار و در همان حال طبیعی و موافق با دلبستگیهای آدمی در جامعه نسبتاً پیشرفته است.^(۳)

این اندرزها اجمالاً هم دستور عمل و قاعده رفتار می‌دهند و هم در بعضی موارد جزئی با تحلیل و حکم ضمنی، طبیعت و نفسانیات ما و دیگران را روشن و آشکار می‌سازند و بهمین نظر و بسبب سهم بزرگی که واقع بینی در آنها دارد و نیز بعلت تعبیرات متشکل موجز و مؤثر آنها تا حدی منبع قوت و معالی و مکارم اخلاقی بحساب می‌آیند.

حکمت ضمنی و خلاصه پرسش‌های ظفر نامه اینست که چه باید کرد

۱- از این حیث شباهتی بین این گفته‌های علمی با دستورهای حکیمان هفت گانه یونان وجود دارد.

۲- شاید همین امر موجب شده که نسخه‌های آن متعدد و بهمین سبب صورت اصلی آن دستخوش تغییرات گشته است.

۳- رجوع شود مثلاً بآنچه درباره دوستی و دوستداری و دانش و دانش جوئی پس از این یاد کرده شده است.

تا در زندگانی شخصی و خانوادگی و اجتماعی نیکبخت (۱) بود در پاسخ پرسشها مهمترین چیزهایی که برای نیکبختی شخصی ذکر شده اینهاست :

تندرستی (۲) - توانگری (۳) - ایمنی - دانش آموزی - دانائی - بردباری - دینداری و پرهیزکاری (۴) - بی طمعی (۳) پرهیز از بدی - شرم داری (۳) - دلیری - آهستگی - دوری از کاهلی - نیکنامی -
درباب نیکبختی خانوادگی و اجتماعی امور ذیل کارگر شمرده شده است :

فرمانبرداری از پدر و مادر - گرویدن زن بشوهر - گرویدن بنده بخداوند - نیکوداشت خویش و زن و فرزند - خواسته از بهر گزارد حق خویشان و نزدیکان و مادر و پدر .
راستی - (۳) عدل - سخاوت (۵) - دوری از بخل - دوستداری (۶)
نیکی کردن (۷) - پرهیز از دروغ (۸) - خودداری از عجب - سپاسداری -

۱- کلمات نیک بخت و نیک بختی و خواستها و دستورهائی که تحقق آنها موجب نیکبختی و سعادت و سلامت زندگانی و آسانی تواند شد در ظفر نامه مکرر آمده است، رش : ص ۱-۲ و ۳ و ۵ و ۶ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۱ .
۲- ص ۱ و ۶ و ۱۵ .

۳- باین امر در ظفر نامه توجه مخصوص شده و ذکر آن مکرر آمده است.

۴- ص ۶ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۲ .

۵- ص ۵ و ص ۷ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۹ .

۶- ص ۳ و ۴ و ۶ و ۱۵ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۲ .

۷- ص ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۵ و ۱۹ (مکرر) وانی و بابله و باید گوی و باید فعل، نکوئی شاید که کنند (ص ۱۹) .

۸- باین امر در ظفر نامه توجه مخصوص شده و ذکر آن مکرر آمده است.

تواضع^(۱) - استعجال در خیرات - دور شدن از تهمت - کم آزاری -
بجا آوردن ادب - مشورت - خودداری از ستودن ستمکاران - امانت
داری .

در این رساله بدانش و عزت و ارجمندی آن و بزرگواری خداوندان
علم و شرف و دانش آموزی و ستایش دانائی و نکوهش نادانی^(۲) نگرش
خاص دیده میشود و چنین می نماید که در آن شرط سعادت ، دانش و
دانش با فضیلت قرین و نزدیک شناخته شده است .

جنبه سیاسی ظفر نامه در سخنان مربوط بتدبیر ملک و دادگستری
و آداب سلطنت و نگاهداشت حق مردم و نگهبانی صلاح و آسایش خلق
چندان قوی نیست تنها درباره پادشاهی و ملک داری و مهتری، دستور
هائی داده شده است^(۳).

نسخه های ظفر نامه و نسخه های که تصحیح این کتاب با

بهره یابی از آنها بچاپ رسیده است

بنای تصحیح ظفر نامه بر یازده نسخه ، پنج اصلی و شش فرعی،
بوده است اکنون بطریق اجمال بوصف خصوصیات و ممیزات هر يك
از نسخه ها و بیان درجه کهنگی و تازگی و صحت و سقم و در صورت امکان
جای نگاهداری آنها و ذکر علامات و رموزی که برای هر کدام از آنها
انتخاب کرده ایم می پردازیم :

۱- ص ۱۲ (تواضع بی مذلت) و ۱۳ (اصل تواضع...) و ۱۹ (تواضع بی توقع)

۲- ص ۳ و ۵ و ۷ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۴ (مکرر) و ۱۵ (مکرر) و ۱۶ و ۱۷ (مکرر)

و ۱۹ (علماء دین) و ۲۲ .

۳- ص ۵ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۸ و ۱۹ .

نسخه‌های اصلی

۱- نسخه ح

نسخه کتابخانه مراد مـلابـنشان « حمیدیه ۱۴۴۷ » و آن در مجموعه بزرگ نفیسی است که بین ۷۴۴ تا ۷۵۴ نوشته شده و حاوی رساله‌هایی است سودمند و نادر در متن و حاشیه، بفارسی و عربی که در فهرست چاپی آن کتابخانه (صفحه ۷۷) تحت عنوان « مجموعه - الرسائل » ثبت شده و نسخه منظور در پشت ورق ۱۰۲ تا میان پشت ورق ۱۰۳ بعنوان « ظفرنامه بزرگمهر » ضبط گشته است و این تا آنجا که نگارنده جستجو کرده است قدیمترین نسخه مستقل تاریخ دار ظفرنامه با ذکر نام آنست (۱).

در این نسخه بعضی آثار رسم الخط قدیم مانند « چندانک » (= چندانکه) « بکار آید » (= بکار آید) « روز کار » (= روزگار) - « گفت » (= گفت) - « گفتم » (= گفتم) مانده است که ما آنها را برای یکسان بودن رسم الخط بصورت کنونی در آورده‌ایم.

از این نسخه بعلامت ح (= حمیدیه) یاد شده است (۲)

۲- نسخه ع

نسخه موجود در تاریخ گزیده (چاپ عکسی لیدن) تألیف حمدالله بن

۱- پس از چاپ متن ظفرنامه قسمتی از آن در نسخه خطی که بخردنامه نامزد است و استاد ارجمند آقای مجتبی مینوی آنرا شناسانده‌اند (رش : مجله دانشکده ادبیات سال ۴ ش ۲) دیده شدن نگارنده بموارد اختلاف دو روایت و حواشی و توضیحات خردنامه (که امید است بزودی منتشر شود) اشاره کرده است.

۲- از وجود این نسخه نسبتاً قدیم در کتابخانه مذکور نگارنده بوسیله استاد بزرگوار آقای دکتر بحیبه مهدوی اطلاع حاصل کرد.

احمد بن نصر مستوفی قزوینی که در سال ۸۵۷ هجری قمری یعنی ۱۲۷ سال بعد از تألیف کتاب (۷۳۰ هـ) استنساخ شده است اصل این نسخه تاریخ‌گزیده سابقاً از مستملکات معتمدالدوله حاجی فرهاد میرزا بوده و شرق‌شناس معروف ادوارد برون آنرا در لیدن سال ۱۳۳۸ هجری قمری مطابق با ۱۹۱۰ مسیحی بطریق چاپ عکسی منتشر ساخته است.

این نسخه که بعد از نسخه ح قدیم‌ترین نسخه‌هایی است که نگارنده بدست داشته در این کتاب از صفحه ۷۳ تا صفحه ۷۸ دیده میشود نام ظفرنامه و مقدمه موجود در بعضی از نسخه‌ها در آن نیست. سخنان منسوب به بزرگمهر مسبوق است به شرح حالی از جاماسب و سخنان او و قطعه‌ای دیگر از کلمات بزرگمهر.

این نسخه بعلامت ع (= عکسی) نموده شده است.

۳ - نسخه ش

نسخه کتابخانه ملی پاریس که بخط نستعلیق خوب در پانزدهم ذی‌القعدة ۸۸۱ هجری نوشته شده و پیشتر در مجموعه کتابهای خطی متعلق به شارل شفر شرق‌شناس فرانسوی بوده و در منتخبات نثری و نظمی فارسی گرد آورده او بچاپ رسیده است این نسخه بنشان «متمم فارسی ۱۴۱۵» در کتابخانه مذکور محفوظ است (برای بقیه وصف این نسخه، رش: فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس تألیف ادگار بلوشه ج ۴ ص ۹۴ ش ۲۱۴۰) و عبارات آن تازه تر از نسخه ح

و غ مینماید و از آن بعلامت ش (= شفر) یاد شده است (۱).

۴ - نسخه گ

نسخه خطی تاریخ گزیده کتابخانه ملی پاریس مورخ سال ۹۴۳
بنشان «متمم لهارسی ۱۷۳» (رش: فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه
ملی پاریس ج ۱ ش ۲۶۵).

سخنان «بوز جمهر» در نسخه مذکور از پشت ورق ۲۶ شروع میشود
و در آخر پشت ورق ۲۸ خاتمه مییابد (۲).

از این نسخه بعلامت گ یاد شده است.

۵ - نسخه ج

نسخه چاپی در مجله ارمغان (سال یازدهم شماره پنجم ص ۳۲۵ -
۳۲۸ تحت عنوان «گفتار بزرگان») که بنابر یادداشت اداره مجله «از یک
جنگ کهنه» نقل شده است و چون این نسخه هم مسبوق بسخنان جاماسب
و کلمات بزرگمهر است و عنوان و مقدمه ندارد و متن آن به متن نسخه

۱ - آنچه کاتب نسخه در پایان آن نوشته عیناً بدون تصرف چنین است:
«تم الرسالة الموسوم به ظفر نامه والحمد لله رب العالمین تحریراً فی خامس
عشر شهر ذی القعدة الحرام سنة احدى وثمانین و ثمانمائة الهجرية کتبه الفقیر
الحقیر الی الله الغنی شیخ نور الدین بن نظام السریری عفی عنهما» بلو شیه نسبت مذکور
را النیریزی خوانده است. غالب چاپهای ظفر نامه در سالهای اخیر از روی نسخه
چاپی شفر انجام یافته است.

۲ - آنچه کاتب در پایان نسخه مذکور نوشته بعین عبارت او حرفاً بعرف
چنین است:

«تمت هذا الكتاب بمون الله الملك الوهاب بتاريخ بیست و هفت روز چهارشنبه
بوقت چاشت من شهر ذی الحجة سنة ۹۴۳ ثلث و اربعین و تسعمائة مشقه المعبود الفقیر
اسماعیل ابن قاضی حینا فیروز آبادی ...»

عکسی نماند دور نیست که از تاریخ گزیده گرفته شده یا آنکه مأخذ آن و مأخذ مؤلف تاریخ گزیده یکی بوده باشد یا آن دو از يك اصل واحد منشعب شده باشند.

از این نسخه بعلامت ج (= جنگ) یاد شده است.

نسخه های فرعی ۶- نسخه ت

نسخه خطی تاریخ گزیده که در سال ۸۷۲ تحریر شده و متعلق بکتابخانه ملی پاریس است (رش: فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس تألیف ادگار بلوشه جلد اول ش ۲۶۴) بنشان «متمم فارسی ۱۴۳۸» ظفر نامه در این نسخه پر غلط سقیم از پشت ورق ۳۶ شروع و در پشت ورق ۳۸ (س ۵) پایان می یابد (۱).

این نسخه با حرف «ت» نموده شده است.

۷- نسخه س

نسخه موجود در آثار الوزراء سیف الدین حاجی بن نظام عقیلی که کتاب خود را در سال ۸۸۳ ه. ق (۲) بنام خواجه قوام الدین نظام الملك

۱- برای بقیه وصف این نسخه، رش: ادگار بلوشه، فهرست مذکور.

۲- عقیلی در آثار الوزراء (صفحه ۱۲۷) از نسخه مجلس شورای ملی وص

۳۴۹ از نسخه چاپی گوید: « و حالا که سنه ثلاث وثمانمائه است ... » به قید راقم این سطور این تاریخ خطاست و با احتمال قوی سال ثلاث وثمانین وثمانمائه، مقصود بوده است زیرا کتاب بنام قوام الدین نظام الملك خوابی تألیف شده و وی در بیست و ششم جمادی الثانی سنه ۸۷۵ درمسند وزارت نشسته و در ۹۰۳ (بقول میرخوند در دستورالوزراء ص ۴۳۲) بقتل رسیده بنا بر این لفظ ساقط جز ثمانین نتواند بود زیرا از در ۸۷۳ وزیر نبوده و در ۸۹۳ چنانکه خوند میر گوید (ص ۴۱۹) وزارتش بحدایت بی طراوت بود و این با گفته های عقیلی در مقدمه و خاتمه کتاب که ویرا وزیر مقتدر خوانده و دانسته موافق نیست.

خوافی و زیرمشمول بر دو مقاله تألیف کرده این نسخه و نسخه مورد استفاده مؤلف تاریخ گزیده اصل واحد داشته اند بلکه با احتمال قوی متن نسخه منظور از نسخه‌ای از کتاب تاریخ گزیده گرفته شده است نسخه خطی آثار الوزراء در کتابخانه مجلس موجود است (رش: فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی تألیف یوسف اعتصامی ج ۲ ص ۳۷۱-۳۷۲ مجموعه شماره ۶۱۹ کتاب ۴) و شرح احوال و سخنان بزرگمهر از صفحه ۷ تا ۱۱ آن نسخه دیده میشود (۱).

این نسخه بنشان «س» نموده شده است.

۸- نسخه ر

نسخه آقای محمد دبیرسیاقی در جنگ خانوادگی که محتویات آن (۲) بخط اشخاص مختلف در تاریخهای متغایر (سال ۱۱۳۴ و ۱۲۳۵ و ۱۲۵۹ ه.ق) نوشته شده و کتاب ظفر نامه در این مجموعه شاید از سال ۱۲۵۹ ه.ق و بخط «ابن مرحوم سید محمد ابوالقاسم» باشد متن این نسخه مختصر و سقیم و مغشوش و دستبرده و الفاظ و عبارات آن بقیاس با نسخه‌های اصلی پس و پیش شده است این را -أخذ را برای بعضی اصلاحات بکار برده ولی از ذکر موارد تقدم و تأخر کلمات و افتادگیها و نیز اضافات غیر اصیل و اختلافات تحریر متن و سوق عبارات آن

۱- برای آگاهی از نسخه‌های دیگر آثار الوزراء رجوع شود به یادداشت استاد انجمنی در مقدمه آقای میرجلال الدین حسین ارموی «محدث» بر آثار الوزراء چاپی (تهران ۱۳۳۷ ه.ش) ص ۳۰۶ و ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۲۹. ۱۳۲۴ ه.ق - ۱۹۰۶ م) تعلیقات قزوینی ص ۳۰۶ و ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۲۹.

۲- در تاریخ البیاء و احادیث و اشعار عرفانی و اجزاء حکمت و خطبه و قول و خبر از امیرالمؤمنین علی...

خودداری کرده ایم.

علامت این نسخه حرف «د» است.

۹- نسخه د

نسخه آقای مشکوة که بدانشگاه اهدا شده و آن از مجموعه رسالاتی است که بین سالهای ۱۲۸۶ و ۱۲۸۸ نوشته شده است. این نسخه جدید و عبارات آن نیز جابجا از صورت کهنگی بیرون آمده و حکمت‌هایی از آن افتاده است در اصلاح بعض کلمات از این نسخه استفاده و از ذکر موارد اختلاف و سقط خودداری شده است بعضی از قسمتهای این نسخه با نسخه شفر موافقت تام دارد و در بعضی موارد هر چند مطالب یکسان است الفاظ و عبارات تازه‌تر است گذشته از این آنجا که حکمتها در نسخه‌های دیگر پایان می‌یابد در این نسخه سخنانی که در بعضی از مأخذها به لقمان منسوبست بدنبال ظفر نامه و جزو آن در آمده است.

علامت این نسخه حرف «م» است.

۱۰- نسخه ص

نسخه تاریخ‌گزیده متعلق بفاضل معاصر «محمد صادق بن محمد علی بن محمد اسمعیل علی آبادی مازندرانی ملقب به ادیب و مسجل به وحدت» که از نسخه تاریخ‌گزیده عکسی جدید تر و اعتبار آن از حیث صحت و کمال کمتر است. این نسخه گاهگاه بکار رفته و از آن بعلامت «ص» یاد شده است.

۱۱- نسخه پ

نسخه‌ای که آقای مشکوة بدانشگاه تهران اهداء کرده‌اند و آن در دانشنامه (نشریه مؤسسه تجارتي و مطبوعاتي پايدار تهران ش ۱ خرداد ۱۳۲۶ هـ - ش ص ۱-۲) چاپ عکسي شده است.

این نسخه که در صحت دون متوسط بشمار می‌آید و فقط در چند جا مورد استفاده قرار گرفته در سال ۱۳۲۶ هجری قمری نگارش یافته و با علامت «پ» نموده شده است

نسخه‌هایی که در نوشتن مقدمه بکار برده شده و هنگام چاپ متن در محل دسترس مصحح نبوده است :

- ۱- نسخه خردنامه (۱).
- ۲- نسخه خطی پاریس (بنشان ۱۲۵) (۲).
- ۳- نسخه کتابخانه دیوان هند (اینديا آفیس) بنشان ۲۱۷۳ (۳).
- ۴- نسخه دیگر همانجا بنشان ۱۶۱۰ (۳).

۱- وصف این کتاب در مقدمه متن چاپی آن بقلم رافق این سطور آمده است.

۲- نسخه خطی موجود در مجموعه رسالات کتابخانه ملی پاریس بنشان و متمم فارسی ۱۲۵ (رش: فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس) تألیف ادکار بلوشه ج ۱ ش ۱۵۱ رساله ش ۱۴ از روی ورق ۱۷۱ ناپشت ورق ۱۷۳ این نسخه با نسخه های اصلی از حیث اضافه و کسر کلمات و حکمت‌ها و تحریفات و سوق عبارات و جمله‌ها در اغلب جاها اختلافات بسیار دارد و دارای مقدمه ایست سخت آشفته و دست برده و پر غلط و در هفتم شهر شعبان سال ۱۰۵۶ هجری بدست یحیی بن سید سمابه بتحریر آمده است.

۳- برای آگاهی از خصوصیات و ممیزات این نسخه، رش: فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه دیوان هند، تألیف هرمان اته (اکسفرده - ۱۹۰۳ م).

۵- نسخه کتابخانه موزه بریتانیا در لندن (بنشان ۷۸۶۳).

این نسخه در مجموعه ایست حاوی شش کتاب و رساله از جمله تحفة الملوك^(۱) و تاریخ تحریر مجموعه در آخر تحفة الملوك (زوی ورق ۱۲۲) «فی شهر رجب المبارك فی تاریخ سنة احدى وستين وسبع مائة [۷۶۱]» ثبت شده و ظفر نامه هم بقلم و کاغذ و خط کاتب سایر مندرجات آن مجموعه است^(۲) و بنابراین پس از نسخه کتابخانه مرادملاباطلاع نگارنده این نسخه قدیمترین نسخه های مستقل کتاب منظور است^(۳).

۶- نسخه کتابخانه موزه بریتانیا در مجموعه محتوی نه کتاب و رساله بنشان ۸۹۹۴ مورخ بتاریخ ۱۲۲۶ ه.ق. ظفر نامه در این مجموعه هفتمین اثر است و از پشت ورق ۸۴ نایشت ورق ۹۹ جادارد^(۴).

برخی دیگر از نسخه های خطی ظفر نامه که در فهرست کتابخانه های مختلف مذکور است :

۱- نسخه مضبوط در تاریخ گزیده که در سال ۹۸۹ تحریر شده ،
رش : بلوشه ، فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس

- ۱- رش: مقدمه تحفة الملوك چاپی (ظاهراً بقلم علامه تقی زاده) ص.ح.
- ۲- برای وصف کامل این مجموعه که بعد از طبع مجلدات چهارگانه (اصل و ذیل) فهرست مذکور ریزو وارد کتابخانه موزه بریتانیا شده و ذکرش در آن فهرست مندرج نیست، رش: مقدمه تحفة الملوك ص و- ح.
- ۳- استاد محترم آقای مجتبی مینوی نسخه ای از زوی نسخه مذکور برای خود استنساخ و آنرا با دقت با چند نسخه مقابله نموده و اختلافات را یادداشت کرده بودند و پس از ملاحظه نسخه چاپی حاضر نسخه خود را با سماحت خاص علما با اختیار اینجانب گذاشتند نگارنده با اختلافات اساسی در خود ذکر این نسخه با این چاپ در حواشی و توضیحات خرد نامه اشاره خواهد کرد.
- ۴- برای اطلاع بیشتر از چگونگی این نسخه، رش: فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه موزه بریتانیا ، تألیف ریزو ج ۱ ص ۵۲.

ش ۲۲۸۲ بنشان متمم فارسی ۱۹۷۷

۲- نسخه مضبوط در تاریخ گزیده که در قرن هجدهم میلادی

نوشته شده، رش؛ بلوشه، جای مذکور، ش ۲۶۸.

۳- نسخه شماره ۱۳۶۹ (تاریخ تحریر ظاهراً قرن ۱۲ هجری)

مذکور در خطابه رستم مسانی (ص ۴۴۱).

۴- نسخه موجود در مجموعه مجلس (طباطبائی ش ۲۴۲ ص

۲۲۷-۲۳۴).

۵- نسخه کتابخانه موزه بریتانیا در لندن بنشان (۲) ۷۵۵۶.

۶- نسخه کتابخانه دیوان هند (رش: هرمان اته، فهرست نسخه

های خطی فارسی آن کتابخانه بنشان (۱۸) ۱۵۲۱.

۷- نسخه کتابخانه دیوان هند (جای مذکور) بنشان ۲۰۵۳.

۸- نسخه کتابخانه دیوان هند (جای مذکور) بنشان (۲۱) -

(۱۲۱۵۷).

۹- نسخه کتابخانه بادلیان اکسفر د (رش: هرمان اته، فهرست

نسخه های خطی فارسی بادلیان بنشان ۴۳-۱۲۴۱.

۱۰- نسخه کتابخانه بادلیان اکسفر د (جای مذکور بنشان

ع- ۱۴۷۶) بعنوان وصیت نامه افلاطون حکیم و نکته ای چند از بزرگمهر (۲)

۱۱- نسخه کتابخانه بادلیان اکسفر د (جای مذکور بنشان ۲۰۱۹).

۱- رش: بروکلین: تاریخ ادبیات عرب ذیل ج ۱ ص ۸۲۱.

۲- رش: دکتر یحیی مهدوی، فهرست نسخه های مصنفات ابن سینا

ص ۲۸۱ ش ۱۸۳ عثمان ارگین، فهرست مصنفات ابن سینا (بزرگان ترکی) (استانبول

۱۹۵۶) ص ۶۵.

- ۱۲- نسخهٔ کتابخانهٔ وینه^(۱) (گوستاو فلوگل، فهرست نسخه‌های خطی ج ۳ ص ۲۹۳-۲۹۴ بنشان (۷) ۴۹۳).
- ۱۳- نسخهٔ اشیاتیک سوسایتمی (انجمن آسیائی) بنگاله بنشان ۱۳۶۹.

ترجمه‌های ظفر نامه

ظفر نامه دوبار بترکی ترجمه شده یک بار در اواخر قرن پانزدهم یا اوایل شانزدهم میلادی و دیگر بار در عهد سلطان عثمانی سلیمان خان قانونی یا سلیمان اول (۹۰۰-۹۷۴ ه. ق. = ۱۴۹۴-۱۵۶۶ م) از طرف سنان بیك بعنوان مظفر نامه بنام بایزید^(۲) فرزند سلیمان^(۳). ترجمهٔ فارسی بانگلیسی توسط بالونارسنبه دته^(۴).

۱- نیز رش: فتواتی (جورج شحانه)، مؤلفات ابن سینا طبع قاهره ۱۹۵۱ ص ۳۲۳؛ بروکلن، جای مذکور.

۲- این بایزید را که به سلطنت نرسید نباید با بایزید اول عثمانی ملقب به یلدرم (= صاعقه - در فارسی ایلدرم) سلطان (۷۹۱-۸۰۵ ه. ق. = ۱۳۸۹ - ۱۴۰۳ م) عثمانی و بایزید دوم سلطان (۸۸۶-۹۱۸ ه. ق. = ۱۴۸۱-۱۵۱۲ م) عثمانی اشتباه کرد.

۳- رش: هرمان اته، تاریخ ادبیات فارسی ص ۲۶۵ بنقل از شارل شفر- در این مأخذ تاریخ سلطنت سلیمان اول بخط ۱۵۶۶-۱۵۲۰ ضبط شده است. نسخهٔ یک ترجمهٔ ترکی ظفر نامه در چهار ورق بزرگ در فرهنگستان وینه هست. رش:

A Kraftt, Ar., Per., u. tur. Hss. d. k.k. Or. AK. Zn Wien, 1842, No CDLXXXV, p. 185.

۴- Bâlu Nârassinba Datta

رش: ادواردس فهرست کتابهای چاپی فارسی در موزهٔ بریتانیا، لندن ۱۹۲۲ م نیز رش: ایرج افشار، ظفر نامه جای مذکور ص ۳۵۸ و ح ۲.

نسخه های چاپی ظفر نامه که بنظر نگارنده رسیده است :

۱- نسخه ای (ناقص، و دستبرده) که محمود (= میرزا محمود (۱) مؤلف کتاب تأدیب الاطفال (طهران ۱۲۹۳ ه.ق) در پایان تألیف خود آورده است و این قدیمترین طبع ظفر نامه است.

۲- نسخه چاپ شارل شفر (رش : وصف نسخه ش که پیش از این گذشت) در منتخبات نشر و نظم فارسی (۲).

۳- نسخه چاپ عکسی تاریخ گزیده (۳) (بدون ذکر نام ظفر نامه، رش : وصف نسخه ع).

۴- نسخه ای که در تقویم تربیت (سال ۱۳۰۷ ه.ش) تألیف مرحوم میرزا محمد علی خان تربیت در اسفند ماه ۱۳۰۶ در تبریز بوسیله کتابخانه ادبیه ذیل صفحه ۴ تا صفحه ۲۷ بطبع رسیده و ظاهراً اصل آن نسخه چاپی شارل شفر است و در دنباله آن مانند نسخه چاپی شفر قسمتی از کتاب کلمات لقمان آمده است.

۱- میرزا محمود مؤلف تأدیب الاطفال ، میرزا محمود خان مفتاح الملك فرزند میرزا یوسف (حکیم نوری) مؤسس مدرسه افتتاحیه و عضو انجمن معارف و مدیر و ناشر روزنامه معارف (غرة شعبان المعظم ۱۳۱۶ قمری - بیست و چهارم شهر شوال المکرم ۱۳۱۸) و مؤلف کتابهای مثنوی الاطفال و تأدیب الاطفال و الفبای مصور و مفتاح الرموز و... است. نیز رش : مقدمه مثنوی الاطفال ص ۴ .

۲- دکتر ستومانی پرسیان ، کرد آورده شارل شفر عضو انستیتو و مدیر مدرسه زبانهای زنده شرقی پاریس، ارنت لورو، ۱۸۸۳ دو مجلد ظفر نامه بتمامی در مجلد اول (صفحه ۱ تا ۷) بچاپ رسیده است.

۳- آنچه در تاریخ گزیده از ظفر نامه آمده در مجموعه قطعات ادبی زالمان و شوکوفسکی (صرف و نحو فارسی صفحه ۴۱ و ۴۸) طبع شده است رش : داستان بزرگمهر حکیم بقلم اردور کریستن سن، ترجمه عبدالحسین میکده : مجله مهر سال ۱ ش ۹ ص ۶۸۹ ح ۲ .

۵ - نسخه‌ای که در مجله ارمنان بنقل از يك جنگ لهنه تحت عنوان « گفتار بزرگان » در سال یازدهم شماره پنجم ص ۳۲۵ - ۳۲۸ (سال ۱۳۰۹ ه. ش) بچاپ رسیده است.

۶ - نامه پیروزی باهتمام و بامقدمه و حواشی آقای کاظم رجوی (۱۳۰۹ شمسی - تبریز بسمایه کتابخانه ادبیه) و آن مبتنی بر روایت نسخه چاپی تقویم تربیت^(۱) (که اصل آن نسخه چاپی شفر بوده) است و روایت مضبوط در تاریخ گزیده (چاپ عکسی ادوارد برون ۱۹۱۰ م) نیز بدنبال آن بطبع رسیده است^(۲).

۷ - نسخه‌ای که مرحوم دهخدا در امثال و حکم (۴ جلد تهران ۱۳۰۸-۱۳۰۹ ه. ش ج ۳ ص ۱۶۴۳-۱۶۴۵) از منتخبات فارسی شفر بدون عنوان ظفر نامه آورده است.

۸ - نسخه‌ای که در رساله «داستان بزرجمهر» تألیف ارتور کریستن سن آمده است (رش: مجله مهر سال ۱ ش ۱۱ ص ۸۷۵-۸۷۶)^(۳).

۹ - نسخه‌ای که در کتاب نمونه سخن فارسی تألیف آقای دکتر مهدی بیانی (تهران آذرماه ۱۳۱۷ ه. ش) ص ۶۹-۷۳ از روی نسخه چاپ شفر طبع شده است.

۱۰ - چاپ عکسی در دانشنامه (نشریه مؤسسه تجارتنی و مطبوعات پایدار تهران ش ۱ خردادماه ۱۳۲۶ ص ۱-۲) این نسخه مختصر و بخط

۱ - آقای رجوی درباره نسخه مأخذ خود چیزی ننوشته‌اند.

۲ - آقای رجوی علاوه بر آنچه گذشت ظفر نامه را در مجموعه نامه پیروزی برشته نظم کشیده‌اند.

۳ - این نسخه در صفحه ۸۷۶ بعد از سطر ۷ سقطی دارد.

نستعلیق خوش متعلق آقای مشکوة بوده و اصلاً از جهت تقدیم خدمت... میرزا احمدخان الشهیر آقای بزرگ ... فرزند مؤیدالملک... بخط علی نقی شیرازی در سال ۱۳۲۶ هـ.ق. بتحریر آمده است. در این نسخه عبارات جدیدتر و بسیاری از حکمت‌ها نیامده است و در الفاظ تصرفات نابجا بسیار شده و متن از فصاحت و اسلوب متین قدیم دورگشته و غلط‌های لفظی فراوان در آن راه یافته است.

۱۱- پیروزی نامه منسوب به بزرگمهر بختگان ترجمه ابوعلی سینا، و آن چاپ مجدد نامه پیروزی است بضمیمه ترجمه خطبه غرای فلسفی ابن سینا بفرانسه بقلم کاظم رجوی بامقدمه ناشر (ابراهیم رضائی) و تقریظ‌هایی بر نامه پیروزی (بسرهایه کتابفروشی ابن سینا تهران اردیبهشت ۱۳۳۳).

۱۲- نسخه‌ای که در مجله اخگر (سال- ش-) باهتمام آقای عبدالرحیم همایون فرخ بامقدمه به چاپ رسیده است و آن نیز باصل نسخه چاپ شفر باز می‌گردد.

۱۳- نسخه‌ای که در ضمن آثار الوزراء سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی بتصحیح میر جلال‌الدین حسینی ارموی (محدث) (تهران ۱۳۳۷ هـ. ش) ص ۱۷-۲۰ به چاپ رسیده است.

چگونگی تصحیح و روش برقراری متن کتاب

نگارنده پس از مطالعه و معارضه نسخه‌ها و توجه باختلافات آنها هیچیک از نسخه‌ها را چون به تنهایی کامل و مضبوط نبود اساس متن قرار نداد بلکه جمیع نسخه‌های خطی اصلی را که صحیح‌تر و کامل‌تر می‌نمود و

بنظر رسید که بنحو مستقیم یا غیر مستقیم مرجع نسخه های جدید تراند با هم مقابله و مقایسه کرد و باستعانت مجموع آنها کلمه و جمله ای را که از حیث ضبط و اتقان بهتر می نمود و باشیوه بیان و طرز تعبیر کتاب سازگارتر بود برگزید و در متن ثبت کرد و غلط و خطا و تحریف و ساقط و زائد و اختلافات قراآت را در هامش متن یادآور شد و در مورد نسخه های فرعی نسخه بدل های مهم آنها را در پایین صفحه مربوط آورد و از ذکر نسخه بدل های غیر مهم خودداری کرد و بدین ترتیب در برقراری متن ظفر نامه شیوه انتخاب و ترکیب یعنی روش التقاطی را بکار برد.

ناگفته نماند که متن حاضر بسبب ضعف علم و قلت اطلاع راقم این سطور و در دست نداشتن مأخذ های معتبر معتمد نقص هایی دارد که از نظر صواب بین ناقدان بصیر دور نخواهد ماند و امید هست که آن دانشمندان با کرم عمیم و فضل فیض بخش خویش در رفع آن همت فرموده بر نگارنده منت نهند (۱).

۱- هیأت مدیره انجمن آثار ملی بنا بر پیشنهاد کمیته تهیه مقدمات جشن هزاره ابن سینا گرد آوردن نسخه ها و تصحیح و طبع ظفر نامه را بر اقم این سطور تکلیف فرمودند و نگارنده در بجا آوردن این امر بکار پرداخت چاپ متن در سال ۱۳۲۹ هجری شمسی با انجام رسید لکن نوشتن مقدمه و نشر آن در نتیجه علتی که اینجا موقع ذکر آن نیست مدنی بتأخیر افتاد اکنون که طبع مقدمه نیز پایان یافته بر ذمه نگارنده لازم است که سپاسگزاری و امتنان خود را از مساعدت و مساعی هیأت مدیره و الطاف هیأت مؤسسان انجمن آثار ملی که بنا بر مشهود قسمتی از وقت خود را بیدریغ به حفظ و احیاء آثار پر ارج تاریخی و اشاعه و انتشار و تابق گرانقدر فرهنگ و تمدن ایران مصروف میدارند بتقدیم رساند و ادامه خدمت نمایان آن بزرگواران گرانمایه را از صمیم قلب بخواهد.

فهرست رمزهایی که در این کتاب بکار رفته است

- پ = پشت (ظهر) ورق در نسخه خطی یا عکسی .
پ = نسخه چاپ عکسی مؤسسه پایدار .
ت = نسخه خطی تاریخ‌گزیده کتابخانه ملی پاریس .
ج = جلد یا مجلد یا جزء یا جزوه .
ج = نسخه جنگی .
چنین ! = در اصل چنین است .
ح = حاشیه (هامش) ذیل متن .
ح = نسخه حمیدیه .
خ ل = نسخه بدل .
د = نسخه دبیر سیاقی .
ر = روی (وجه) ورق در نسخه خطی یا عکسی .
رش = رجوع شود .
س = سطر (در پس صفحه یا ص) یا ستون .
س = نسخه موجود در آثار الوزراء سیف‌الدین حاجی عقیلی .
ش = نسخه شفر .
ص = صفحه .
ض = نسخه محمد صادق وحدت .
ظ = ظاهراً یا وجه صحیح احتمالی .
ع = نسخه عکسی تاریخ‌گزیده .
فق = فهرست قنواتی .

ق م = قبل از میلاد مسیح .

کذا = در اصل چنین است و لفظ یا عبارت مذکور تحریف شده یا محل نظر است .

ک = نسخه خطی تاریخ گزیده کتابخانه ملی پاریس .

م = میلادی (در پس تاریخ سال) .

م = نسخه مشکوۃ .

مق = مقدمه مصحح کتاب .

نگارنده = نگارنده مقدمه و حواشی .

ه = هجری .

+ (بعلاوه) (در پس ارقام مربوط بنامها) نشان آنست که نام منظور در سطرهای بعد صفحه مورد نظر تکرار شده است .
[] (دو قلاب) نشان آنست که آنچه در میان قرار گرفته اضافه مصحح است .

() (دو هلال) برای جدا کردن کلمات یا جمله یا ملاحظات یا ارقامی است که تذکار آن مفید ولی در معنی و سیاق کلام بی تأثیر است .
... (نشان تعلیق) گاه نشان حذف کلماتی است که يك بار در متن یا در حاشیه آمده و برای پرهیز از تکرار از ثبت آنها خودداری شده است و گاه علامت قسمت هائی است که در اصل نسخه ساقط یا معیوبست و غالباً علامت حذف دنباله عبارت منقول است .

یادداشت : در این کتاب هر جا تاریخ سالها بنحو مطلق یا باقید «هجری» ذکر شده مراد سالهای هجری قمری است .

بزرجمهر را گفتم^۲ از خدای چه^۳ خواهم که^۴

همه چیز^۵ خواسته باشم، گفت سه چیز^۶، تندرستی

۱ - در نسخه ح : ظفر نامه بزرجمهر . چنین گویند که در روزگار نوشیروان عادل هیچ چیز عزیز تر از حکمت نبود و هیچ جنس مردم بزرگوار تر از اهل حکمت نبودند و هیچ هدیه پیش او نبردندی شریف تر از حکمت . گویند روزی بزرجمهر و دانایان پیش او رفتند، نوشیروان ایشان را گفت خواهم که کتابی جمع کنم صحت نیکو و لطیف بلفظ کوتاه و بمعنی تمام و خواندن [چنین] آسان چنانکه مرادین جهان و بدان جهان بکار آید و ما را یادگار ماند . بزرجمهر یکسال روزگار برد و آن کتاب تألیف کرد و ظفر نامه نام نهاد و پیش نوشیروان برد . نوشیروان زیادت [چنین] شهری بدو بخشید و فرمود تا [آنرا] بزرنبشتند و بخزانه فرستاد . . . این عنوان در نسخه ش در سر لوح نوشته شده است و پس از آن مقدمه ذیل آمده است : حمد و ستایش مراد خدای را جلّت قدرته که آفریدگار و پدید آورنده زمین و آسمان و روزی دهنده جانورانست و درود بر پیغمبران و برگزیدگان او باد خاصه بر مصطفی صلی الله علیه و سلم . در روزگار انوشیروان عادل هیچ چیز از حکمت عزیز تر نبود و حکماء آن عصر همه متقی و پرهیزگار بود [ند] یک روز انوشیروان ابوزرجمهر [چنین] حکیم را طلب کرد و گفت میخواهم سخنی چند مفید، در لفظ اندک و معانی بسیار، جمع سازی چنانکه دردنی و عقبی سودمند باشد، ابوزرجمهر [چنین] یکسال مهلت خواست و این چند کلمات [چنین] را جمع کرد و ظفر نامه نام نهاد و نزد انوشیروان برد، او را خوش آمد و شهری در اقطاع او بیفزود و فرمود که این کلمات را بآب زر نوشتند و دائم با خود میداشت و اکثر اوقات بمطالعه این کتاب مواظبت مینمود . ابوزرجمهر . . . الخ . در نسخه د : آورده اند که در وقت انوشیروان عادل هیچ چیز بزرگتر از حکمت و حکما نبود، روزی نوشیروان بزرجمهر را طلبید و گفت میخواهم سخن چند کوتاه و با معانی بسیار و مختصر و با مقصود تمام جمع کنی چنانچه مرا در هر دو جهان بکار آید و باقیماندگان را نیز سودمند بود و چون او را در کار دارند بر همه اعداء ظفر یابند و بعد از ما در جهان یادگار ماند ، بزرجمهر یکسال مهلت طلبید و این کلمات را از استاد خود جمع کرد و ظفر نامه نام نهاد و بخدمت انوشیروان عادل برد [وی] چون ورقی چند بخواند بغایت خوش دل شد و حکیم را خلعت پوشانید [و] مثال یک شهری [چنین] را انعامش کرد و این گفتارها را به زر نویسانید و پیوسته با خود بقیه در صفحه بعد

و^۷ توانگری و ایمنی . گفتم کارهای خود^۸ بکه سپارم^۹ ، گفت بدانك^{۱۰}

میداشت و مطالعه میکرد و فواید بسیار حاصل کرد . در نسخه م : ظفر نامه خواجه ابوذر جهر [چنین !] . بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله رب العالمين ، والعافية للمتقين ، والصلاة والسلام على رسوله محمد وآله اجمعين واصحابه الفائزين .

اما بعد ، روایت میکند [چنین !] که در عهد انوشیروان هیچ چیز از حکمت عزیزتر نبود و حکمای آن عصر همه متقی و پرهیزگار بودند ، يك روز انوشیروان ابوذر جهر [چنین !] حکیم را طلب فرمود و گفت میخواهم که سخن چند در لفظ اندك و معنی بسیار جمع نمائی چنانچه در دین و عقبی و دنیا سودمند بود . ابوذر جهر [چنین !] یکسال مهلت خواست و این چند کلمه را جمع کرد و ظفر نامه نام نهاد و نزدیک برد و عرض کرد انوشیروان [را] این کلمات بسیار خوش آمد و فرمود تا این کلمات بآب زر بنویسند و مدام باخود داشت و اکثر اوقات بمطالعه آن مداومت مینمود . در نسخه پ : ستایش و سپاس خداوندی را که آفریننده آدمیان و پدید آورنده زمین و آسمان است و درود نامعدود بر پیغمبر و آل او سلام الله عليهم اجمعين . اما بعد چنین گویند که روزی انوشیروان عادل ابوذر جهر [چنین !] حکیم را طلب کرد و گفت ای حکیم فطن فرزانه مرا سخنانی بدیع بیاموز که در هر دو جهان مرا [چنین !] بکار آید و چون آنرا بکار دارم بر همه چیز ظفر و پیشرفت یابم و بعد از ما در جهان اثر و یادگار بماند ابوذر جهر [چنین !] یکسال مهلت خواست و این نصایح را جمع و فراهم آورد [و] بدعت انوشیروان برد و بعرض رسانید و او بغایت خوشوقت شده بخلعت خاصش مفتخر و سرافراز گردانید و فرمود که آن ظفر نامه را کتاب بزرگ نوشتند ، پیوسته باخویش داشت بفرست ایام این نصایح متین را از آن حکیم خردمند میبرسید [چنین !] بطریق استفاده و او جوابهای باصواب میداد [چنین !] ، بدینگونه ...

۲ - چنین است در نسخه ج . ح : بزر جهر گفت من آن مثالها از استاد خویش می پرسیدم بروز کار و او جواب همی داد . آغاز مسائل . گفتم ... ع ، بزر جهر گفت از استاد پرسیدم ... ش : ابوذر جهر [چنین !] زبان بگشاد و گفت از استاد خود استفادت مینمودم و او جواب میگفت گفتم ای استاد ... ک : بزر جهر گفت از استاد پرسیدم ... س ، [بزر جهر حکیم] میگوید که از استاد خود پرسیدم که ... م ، ابوذر جهر [چنین !] بانوشیروان گفت که تصنیف این رساله چنان بود که از استاد خود استفاده میکردم و او جواب میفرمود . سؤال کردم که ای استاد ...

بقیه در صفحه بعد

خود^۱ شایسته بود. گفتم ایمن از که باشم^۲، گفت از^۳ دوستی که حسود نبود^۴. گفتم چه چیزست که بهمه وقتی^۵ سزاوار بود، گفت بکار خود مشغول بودن^۶. گفتم در جوانی و پیری چه کار بهتر^۷، گفت در جوانی دانش آموختن و در پیری بکار آوردن^۸. گفتم کدام

بقیه ذیل صفحه ۱ و ۲

- ۳ - ح : عز وجل چند چیز . ع : چه چیز .
- ۴ - ع و گ و س : تا .
- ۵ - ح : همه نیکی .
- ۶ - ح : گفت تن درستی . . .
- ۷ - ج : این حرف را ندارد .
- ۸ - چنین است در ع و گ و س . ج : خود را . ح و ش : کارها بکه . م : خویش . د . کارها را بکه واگذارم .
- ۹ - ح : تا ایمن باشم .
- ۱۰ - چنین است در ج و ع و گ و س . ح : بدان کس که شایسته . . . ش : بآن کسی که .

- ۱ - چنین است در نسخه ج . ش : خویشتن . ع و گ و س : خود را .
- ۲ - چنین است در ح . ش : از که ایمن باشم . ج و ع و گ و س : ایمن بر که باشم .
- ۳ - چنین است در ح و ش . ج و ع و گ و س : بر .
- ۴ - چنین است در ج و ع و گ و س . ح : از دوستی که خود رای نباشد . ش : از دوستی که حاسد نباشد .
- ۵ - ح : که وقتی سزاوارتر از وقتیست و چه چیزست بهر وقت سزاوارترست . ش : که بهشت .
- ۶ - چنین است در ج و ع و گ و س . در نسخه ش این حکمت با عبارت بعد بدین صورت درهم شده است : گفت علم آموختن و بجوانی بکار حق مشغول بودن . ح : گفت فرهنگ آموختن بیرنائی و کردار نیک به پیری . گفتم مشغول بودن بهر وقتی .
- ۷ - ع : چه بهتر .
- ۸ - چنین است در ج و ع و گ و س . بکار بردن . در ح و ش این عبارت مشوش است چنانکه گذشت .

راستست^۱ که نزدیک مردم خوار^۲ نماید، گفت عرض هنر خود کردن^۳. گفتم از دوست^۴ ناشایست چگونه باید^۵ برید، گفت بسه چیز، بدیدنش^۶ نرفتن^۷ و حالش^۸ ناپرسیدن و از و آرزو^۹ ناخواستن^{۱۰}. گفتم کارها بکوشش است^{۱۱} یا بقضا^{۱۲}، گفت کوشش قضا را سببست^{۱۳}. گفتم از^{۱۴} جوانان چه^{۱۵} بهتر^{۱۶} و بر^{۱۷} پیران

- ۱ - چنین است در ج و ع و گ و س . ح : سخن است . ش : عیب است .
- ۲ - ح : نزدیک خود حقیر ترست . ج : خود را . ش : معتبر .
- ۳ - چنین است در گ و س . ح : از هنر خود واگفتن . ج : عرض هنر . ع : عرض هنر خود . ش : هنر خود گفتن .
- ۴ - چنین است در ج و ع و گ و س . ح : چون از دوست ناشایستگی بدید آید . ش : چون دوست ناشایست بدید آید .
- ۵ - چنین است در ج و ع و گ و س . ح : چگونه از وی بیاید بریدن . ش : چگونه از وی بیاید برید .
- ۶ - ح و ش : زیارتش .
- ۷ - ش : کم رفتن .
- ۸ - ح و ش : و از حالش . ج : حالش (بی و او) .
- ۹ - ش : حاجت . در ح این جزء بدین گونه آمده است ، و هر که که او را بینی حاجتی از وی خواستن .
- ۱۰ - چنین است در ج و ش و د و ب . ع و ص : خواستن . گ و س : آرزو ها خواستن .
- ۱۱ - ح و ش : بود .
- ۱۲ - ع : قضا .
- ۱۳ - چنین است در ج و ش و گ و س . ح : گفت قضا را سببست . ع : قضا را کوشش سبب است . ت : کوشش صرف قضا را سبب است .
- ۱۴ - ح : بر .
- ۱۵ - چنین است در ح و ج و ع و ش و گ . س : چه چیز .
- ۱۶ - ح : نیکوتر .
- ۱۷ - ش و ب : از .

چه نیکوتر^۱ ، گفت از^۲ جوانان شرم و دلیری و بر^۳ پیران دانش^۴ و آهستگی. گفتم مهتری را که^۵ شاید و مهتر^۶ کی بر آساید^۷ ، گفت مهتری آن را شاید^۸ که بد از بیک بداند و مهتر^۹ آنکه بر آساید که^{۱۰} کار بکار دانان^{۱۱} دهد. گفتم حذر از که باید کرد تارسته باشم^{۱۲} ، گفت از مردم^{۱۳} چاپلوس و خسیسی^{۱۴} که توانگر شده باشد^{۱۵} . گفتم سخی ترین کس کیست^{۱۶} ، گفت آنک^{۱۷} چون ببخشد شاد^{۱۸} شود.

- ۱ - ح : خوشتر .
- ۲ - چنین است در ج و ع و ش و ک و س و م و پ . ح : بر .
- ۳ - چنین است در ح و ج و ع و ک . ش و س و م و پ : از .
- ۴ - ح : سرم (ظ . شرم) .
- ۵ - چنین است در ج و ع و ک و س و ص و د . ج و ت : کرا . این عبارت اصلاً از نغ ۴ ش سقط شده است .
- ۶ - چنین است در ح و د . ع : مهتری . س : بهتر که باید . ج : بهتری .
- ۷ - چنین است در ح . ع : که را باید . د : کرا گویند . ج : کرا باید .
- ۸ - چنین است در ح و ج . ع : مهتری آنکس را شاید . س : مهتر آنکس . د : گفت آنکس را نباید که .
- ۹ - چنین است در ح و ع . در نسخ دیگر : بهتر .
- ۱۰ - چنین است در ح . سایر نسخ : آنکه کار ...
- ۱۱ - چنین است در ح و ع و ص . نسخ دیگر : بکار دان .
- ۱۲ - چنین است در ح و ک . سایر نسخ : شوم .
- ۱۳ - چنین است در ح و ش . ج و ک : نا کسی . س : نا کس . د : مرد .
- ۱۴ - چنین است در ج و ک . ع : خسیس . س : نا کس چاپلوس خسیس . ش : چاپلوس و خسیس . از ح تا آخر جمله سقط شده است .
- ۱۵ - ش : باشند .
- ۱۶ - چنین است در ج و ع و ک و س . ش : سخی کیست . د : جوانمرد کیست . ح : غنی بحقیقت که باشد .
- ۱۷ - ۱۸ - چنین است در ج و ع و ک و س . ش : آنکس که سخاوت کند و دلشاد . ح : آنک چیزی بخشد و شاد .

گفتم مردم را ^۱ هیچ چیز عزیزتر از جان هست درین جهان ^۲ ،
گفت ^۳ سه چیزست که مردم درین جهان ^۴ جان بدان پرورند ^۵ ، دین
داشتن ^۶ و کین خواستن و رستن از سختی . گفتم کدام ^۷ چیزست که همه ^۸
آنها جویند و کس ^۹ آنها بجمله ^{۱۰} نیافتست ^{۱۱} ، گفت چهار ^{۱۲} چیز ،
تن درستی و راستی ^{۱۳} و شادی و دوست ^{۱۴} اخلص ^{۱۵} . گفتم نیکی کردن ^{۱۶}
بهر ^{۱۷} یا از بدی دور بودن ^{۱۸} ، گفت از بدی دور بودن ^{۱۸} سر ^{۱۹} همه

- ۱ - چنین است درج . نسخ دیگر : مردم .
- ۲ - کلمات « در این جهان » تنها درج آمده است . وازش از ابتداء این حکمت تا « جهان » اصلاً ساقط شده است
- ۳ - چنین است درج و ع و گ و س . ش ، گفتم چه چیزست که مردم جان را بدان پرورند ، گفت .
- ۴ - چنین است درج . کلمات « درین جهان » در نسخ دیگر نیست .
- ۵ - چنین است درج و ع و گ و س ، سه چیز که جان ... ح ، جان بران دهند .
- ۶ - چنین است درج و ع و گ و س ، ش : گفت دین و رستن از سختی . س : دین و دانش و کین خواستن و رستن از سختی . ح : دین و کین و رستن از بیم و سختی .
- ۷ - ش : چه .
- ۸ - ح : مردم ، ش : که مردم جویند .
- ۹ - چنین است درج . ج و ع و ش و گ : کسی . این کلمه از س ساقط شده است .
- ۱۰ - چنین است درج . ج و ع : بجملگی . س : و بجملگی . ش : تمام .
- ۱۱ - چنین است درج . ج و ع و گ : درنیابد . س : درنیابند . ش : درنیافت .
- ۱۲ - چنین است درج و ج و ع و گ و س . ش : سه .
- ۱۳ - این کلمه در ش و س نیست .
- ۱۴ - ع : دوستی .
- ۱۵ - ح : خالص . م : موافق .
- ۱۶ - چنین است درج و ج و ع و گ و س . ش : نیکوئی .
- ۱۷ - ع و س : به .
- ۱۸ - ح : شدن .
- ۱۹ - چنین است درج و ع و گ و ش و س . ح : بهتر از .

نیکوئیهاست^۱ . گفتم هیچ هنر بود^۲ که بهنگامی^۳ عیب گردد^۴ ، گفت سخاوت^۵ با منت بود^۶ . گفتم چونست که از مردم حقیر^۷ علم نیاموزند ، گفت زیرا که عالم حقیر و حقیر عالم^۸ نباشد . گفتم چه چیزست که دانش را بیاراید^۹ ، گفت راستی^{۱۰} . گفتم چه چیزست که بر دلیری نشان بود^{۱۱} ، گفت عفو کردن^{۱۲} در قدرت^{۱۳} . گفتم آن کیست که در او^{۱۴} هیچ عیب نیست^{۱۵} ، گفت خدای تعالی و تقدّس^{۱۶} . گفتم

۱ - ح : نیکوهاست .

۲ - ش : باشد .

۳ - چنین است در ح . نسخ دیگر ، وقتی .

۴ - چنین است در ج و ع و گ و س . ش : هنر باشد که عیب شود .

۵ - ش : سخاوتی که . س : سخاوت که . ح : بردباری هنر است چون خداوندش عاجز شود عیب گردد .

۶ - این کلمه در نسخه ع نیست .

۷ - چنین است در نسخه ج . ح : از مردم حقیر چیزی نپذیرد و از وی علم نیاموزند

ع و گ و س و ت : مردم از حقیر . . . این حکمت از نسخه ش سقط شده است .

۸ - چنین است در نسخه س . ج : حقیر عالم نباشد . ع : عالم حقیر نباشد . گ : عالم

حقیر عالم نباشد . ح : علم هرگز حقیر نباشد . ت : علم حقیر و حقیر عالم نباشد .

۹ - ش : بیفزاید .

۱۰ - ح : راستی دانش را بیاراید .

۱۱ - ش : است .

۱۲ - ۱۳ - ش : چون قادر شود . این حکمت از ح سقط شده است .

۱۴ - ۱۵ - ش : که هرگز نمیرد گفت جل و علا ، گفتم کیست که در او عیب نباشد . . .

ح : گفتم کیست که او را هیچ عیبی نیست .

۱۶ - ع : گفت خدای تبارک و تعالی . ش : گفت عز و جل . س : گفت خدای تعالی .

ح : گفت آنک هرگز نمیرد .

از ۱ کارها که خردمند کند چه بهترست ۲ ، گفت آنک بد را ۳ از بدی ۴ باز دارد . گفتم از دوتن بخرد تر آنک این جهان گزیند یا آن ، گفت آنک آن جهان گزیند [و] دست ازین جهان باز دارد ۵ . گفتم از عیبهای مردم کدام زیان کار ترست ۶ ، گفت آنک ۷ برو پوشیده باشد ۸ . گفتم نکوهیده کیست و بخشوده کیست ، گفت نکوهیده آنست که بدی از وی آمد بخواست وی ۹ [و بخشوده آنست که بدی از وی آمد ناخواسته] . گفتم از ۱۰ زندگانی کدام ضایع ترست ۱۱ ، گفت آن زمان که بجای ۱۲ کسی نیکی تواند کرد ۱۳ و نکند . گفتم از فرمانها کدامست که آنرا ۱۴ خوار نباید داشت ، گفت چهار فرمان ۱۵ ، فرمان

۱ - ۲ - چنین است در ح . ع : از کارها عقلا چه چیز بهتر . ج : از کارهای عقلا ... ش : کارها که عقلا کنند چه نیکوتر . گک : از کارها عقلا را چه بهتر . س : از کارها چه بهتر .

۳ - م : خود را . ح : طبع بدی .

۴ - ج و س : بدی کردن .

۵ - این حکمت جز در ح در هیچ يك از نسخ دیگر نیست .

۶ - چنین است در ش . ج و ع : کارتر .

۷ - چنین است در ح . نسخ دیگر : آنکه .

۸ - د : بود . ح : بروی زیان کارتر .

۹ - این حکمت بنحو ناقص در ح آمده و از نسخ دیگر سقط شده است . جزء اخیر میان دو قلاب بقیاس علاوه شد .

۱۰ - س این کلمه را ندارد .

۱۱ - چنین است در نسخه ش . ج و ع و س و گک : ضایع تر . ح : کدام ضایع تر .

۱۲ - ۱۳ - ش : نیکو در حق کسی تواند کرد . ع : بجای کسی نیکی توان کرد .

س : بجای کسی نیکوئی تواند کرد . ح : آنک بجای کسی تواند کرد .

۱۴ - ش : کدام فرمان را . ح : کدامست که آنرا .

۱۵ - چنین است در ح و ع و س . ج و گک : چهار . ش : سه .

خدای تعالی^۱ و^۲ فرمان^۳ هشیاران^۴ و^۵ فرمان پادشاه و^۶ فرمان پدر و مادر . گفتم^۷ کدام تخمست که بیک جا^۸ بکارند و دو جا بردهد^۹ ، گفت نیکی که بجای مردمان نیک و هوشیاران کنی^{۱۰} ، هم از^{۱۱} ایشان یاداش یابی نیکی^{۱۲} و هم از^{۱۳} خدای تعالی ثواب آن جهان یابی^{۱۴} . گفتم بهتر از زندگانی^{۱۵} چیست ، گفت نیک نامی^{۱۶} . گفتم بتر از مرگ^{۱۷} چیست ، گفت^{۱۸} بیم و درویشی^{۱۹} . گفتم عاقبت را^{۲۰} چه

- ۱ - ح و ش ، خدای عز و جل . ج ، خدا .
- ۲ - ج این حرف را ندارد .
- ۳ - ح و ش ، دوم فرمان .
- ۴ - چنین است در ح . ج و ع و گ و س ، عقلا . د ، عاقلان .
- ۵ - ش این حکمت را ندارد .
- ۶ - ح ، که جای .
- ۷ - چنین است در ج و ع و ص . ح ، و در دو جای دیگر بروند [ظ . بروید] . س و د ، بدروند .
- ۸ - چنین است در ح . نسخ دیگر ، نیکی کردن در حق مردم .
- ۹ - چنین است در ح . س و پ ، هم در . ج و ع و گ ، در .
- ۱۰ - چنین است در ح . د ، یابند . نسخ دیگر ، این جهان از ایشان یاداش بینند .
- ۱۱ - ۱۲ - چنین است در ح . ج و گ ، و در آن جهان از خدای تعالی ثواب یابند . ع و س و هم در آن ...
- ۱۳ - چنین است در ح و ج و ع و گ و س . ش ، بهترین زندگانی .
- ۱۴ - چنین است در ح . ج و ع و گ و س ، گفت فراغت و امن . ش و م و د ، فراغت و ایمنی .
- ۱۵ - چنین است در ج و ع و س . ش ، بدترین مرگ .
- ۱۶ - ع ، گفت بدتر از مرگ .
- ۱۷ - چنین است در ح . ج و ع و گ و س ، درویشی و بیم . ش ، گفت مفلسی .
- ۱۸ - چنین است در ج و س . ح ، عاقبت . ع ، عاقبت . ش این کلمه را ندارد .

بهرتر، گفت خوشنودی^۱ خدای تعالی^۲. گفتم چه چیزست که
 مروت^۳ را تباه^۴ کند، گفت چهار^۵ چیزست^۶، مهتران^۷ را بخیلی
 و^۸ دانشمندان را عجب و^۹ زنان را بی شرمی و^{۱۰} مردان را دروغ. گفتم
 درین جهان که بدبخت تر، گفت درویش که تکبر کند^۹. گفتم چه
 چیزست که کار مردم پارسا^{۱۰} تباه کند، گفت ستودن ستمکاران^{۱۱}.
 گفتم این جهان^{۱۲} بچه در^{۱۳} توان یافتن^{۱۴}، گفت بفرهنگ^{۱۵}
 و^{۱۶} سپاس داری. گفتم چکنم تا^{۱۷} بیزشکم^{۱۸} حاجت نیفتد^{۱۹}، گفت

- ۱ - چنین است در ح و ع و ش و س و ج و م، خوشنودی.
- ۲ - ش، حق عز وجل.
- ۳ - چنین است در ح و ج و ع و س و ش، مودت، م، مردم.
- ۴ - چنین است در ح و ج و ع و ک و س و ش، خراب.
- ۵ - از این کلمه تا کلمه ستودن اصلاً از ع سقط شده است.
- ۶ - این کلمه در نسخه س نیست، ح، گفت مهتران...
- ۷ - چنین است در ح، نسخ دیگر، بزرگان.
- ۸ - این حرف جز در ح و س و ش در نسخ دیگر نیست.
- ۹ - این حکمت جز در ح در هیچ يك از نسخ دیگر نیست.
- ۱۰ - س، پارسا را، ح و د، دانا، ش، مردم را.
- ۱۱ - ح، تباه کاران.
- ۱۲ - چنین است در ح، ش، دنیا، سایر نسخ، جهان را.
- ۱۳ - چنین است در ج و ع و س و ش و ک، از ح و د سقط شده است.
- ۱۴ - چنین است در نسخه ج، ح و ع و ش و س و ک و د، یافت.
- ۱۵ - س، بفرهنگی.
- ۱۶ - ش این حرف را ندارد.
- ۱۷ - چنین است در ح و س و ج و ع و ش و ک، که.
- ۱۸ - چنین است در ح، سایر نسخ، بطیب.
- ۱۹ - چنین است در ح، سایر نسخ نباشد.

کم خور^۱ و کم گوی و خواب باندازه کن و خود را بهر کس^۲ میالای^۳.
گفتم از مردم^۴ کدام^۵ بخرد تر^۶ ست^۷، گفت آنکس که بیش داند
و کم گوید^۸. گفتم ذل^۹ از چه خیزد^{۱۰}، گفت^{۱۱} از نیاز. گفتم نیاز از چه
خیزد^{۱۲}، گفت از کاهلی و فساد^{۱۳}. گفتم رنج کم از چیست^{۱۴}، گفت
از تنهایی^{۱۵}. گفتم^{۱۶} بی نوائی از چیست، گفت از نا کدخدائی^{۱۷}.

۱ - ۲ - چنین است در ج و ع و گ. ح: بکم خوردن و کم رفتن و کم خوابی.
ش: کم خوردن و کم بخواب رفتن و کم گفتن. س: کم خوردن و کم خفتن و کم
مجامعت کردن.

۳ - ج: مبالان.

۴ - ح و ش: از مردمان.

۵ - چنین است در ح. سایر نسخ: که.

۶ - چنین است در ح. ج و ع و گ و س و ش: عاقلتر.

۷ - چنین است در ح و ش. این کلمه در نسخ دیگر نیست.

۸ - چنین است در ح. ش: آنکه کم گوید و بیش شنود و بسیار داند. ج و ع و س
و گ: کم گوی بسیار دان.

۹ - ش: خواری.

۱۰ - چنین است در ع و س. ش: از چیست. ج: از چه. این حکمت از ح سقط
شده است.

۱۱ - ۱۲ - این جزء در ج و ش و س نیامده است.

۱۳ - «و فساد» در ح نیست.

۱۴ - ۱۵ - چنین است در ح. ع: که کم رنج تر، گفت آنکه تنهاتر. ج: که بی رنج تر؛
گفت آنکه تنهاتر. ش: رنج از چیست، گفت از تنهایی. س: کم رنج تر کیست،
گفت آنکه تنهاتر.

۱۶ - ۱۷ - چنین است در ح. ع: که بی نواتر گفت آنکه پر عیال تر. س: بی نواتر
کیست گفت پر عیال تر. ج: که بی نواتر است گفت آنکه پر عیال تر. این حکمت تا
چه چیز است که، از نسخه ش افتاده است.

گفتم نامداری^۱ از چه بر آید^۲، گفت از^۳ استعجال^۴ در خیرات^۵. گفتم پادشاهان را بلندی از چه خیزد^۶، گفت از عدل و راستی. گفتم خردمندان را پشیمانی از چه خیزد^۷، گفت از شتاب کردن در کارها^۸. گفتم شرم از چه خیزد^۹، گفت دین داران^{۱۰} را از بیم^{۱۱} دین و بی دینان را از نادانی. گفتم چه چیزست که^{۱۲} حمیت^{۱۳} را ببرد، گفت طمع^{۱۴}. گفتم اندر جهان^{۱۵} چه^{۱۶} نیکوترست^{۱۷}، گفت تواضعی^{۱۸} بی مذلت^{۱۹}.

- ۱ - ع و س ، نامرادی .
- ۲ - چنین است در ح . ع ، از چه خیزد . ج ، از چه چیز . د ، از چه چیز بود .
- ۳ - از این کلمه تا دین داران ، از س سقط شده است .
- ۴ - ح ، هشیاری بکارها . ع ، تأخیر . د ، تعجیل نمودن در کارهای نیک .
- ۵ - ع ، در خیرات . گفتم مراد یافتن از چه خیزد ، گفت از تعجیل در خیرات .
- ۶ - چنین است در نسخه ع . ج ، از چه چیز . د ، از چه چیز بود . ح ، گفتم بلندی و پادشاهی از چه خیزد .
- ۷ - این حکمت جز در ح در هیچ يك از نسخ دیگر نیامده است .
- ۸ - چنین است در ح و ع . ج ، از چه چیز .
- ۹ - ج ، دین دان .
- ۱۰ - ح ، دین داران را دین .
- ۱۱ - چنین است در ج و ع و س و ک . ش ، چیست که .
- ۱۲ - چنین است در ش و ک . ع ، حمیت . ج ، صحبت . س ، همیت .
- ۱۳ - این پرسش و پاسخ از ح ساقط شده است .
- ۱۴ - چنین است در ح . ج ، در دنیا . سایر نسخ ، در جهان .
- ۱۵ - چنین است در ح و ش . سایر نسخ : چه چیز .
- ۱۶ - ش : نیک ترست . ح و ج و س ، نیکوتر . این پرسش و پاسخ در نسخه ع نیامده است .
- ۱۷ - چنین است در ح . نسخ دیگر : تواضع .
- ۱۸ - چنین است در ح . ش و م ، منت .

و^۱ رنجی نه از بهر این جهان^۲ و سخاوتی نه از بهر مکافات^۳ . گفتم^۴
 اندر^۵ جهان چه زشت تر^۶ ، گفت تندی از پادشاهان^۷ و حریصی از عالمان^۸
 و بخیلی از توانگران . گفتم^۹ اصل^{۱۰} تو اضع چیست ، گفت روی تازه
 داشتن^{۱۱} با فروتر از خود^{۱۲} و از همچو خودی فرو تر نشستن^{۱۳} و از
 ریا دور بودن^{۱۴} . گفتم تدبیر از کس پرسم تا^{۱۵} مصیبت زده نشوم^{۱۶} ،

- ۱ - این حرف در ج و ع نیست .
- ۲ - چنین است در ح . د : و رنج از بهر خیر آن جهان . ج : رنج بردن در کار
 ها نه از بهر دنیا . س : رنج بردن در کار ها از بهر دین . این جزء در ش نیست .
- ۳ - چنین است در ح . س و ش و م و د : سخاوت نه . . . ج : و سخاوت نه از بهر
 مکافات از خود و دست بازداشتن از زنا .
- ۴ - این حکمت در ج و ع نیامده است .
- ۵ - چنین است در ح . سایر نسخ : در .
- ۶ - س : در این جهان چه چیز بدتر . د : چه چیز است زشت درین جهان .
- ۷ - چنین است در ح و س . ش : گفت دو چیز . . . د : گفت تندی از پادشاه .
- ۸ - این جزء فقط در ح آمده است لکن بجای حریصی در اصل از یصی (؟) است .
- ۹ - این حکمت از ج سقط شده است .
- ۱۰ - چنین است در ح و ش و گ و س . ع : از اصل .
- ۱۱ - چنین است در ح و ش و د . ع و گ و س : تازه روئی .
- ۱۲ - ح : با هر کسی . این کلمات در ش و د نیست .
- ۱۳ - چنین است در نسخه د . ع و س و گ جزء « و از همچو خودی فرو تر نشستن »
 را ندارد . ش : و با جز از خود خوش بودن . ح : و نشستن دست خویش .
- ۱۴ - چنین است در نسخه د . ع و س و گ : و دست بازداشتن از زنا . ح : و دست
 باز داشتن از ا . ، این جزء از نسخه ش سقط شده است .
- ۱۵ - ۱۶ - این جزء در ح و ش نیست .

گفت از آنکس که^۱ سه خصلت درو بود^۲، دین پاک^۳ و^۴ دوستی^۵
 نیکان و^۶ دانش تمام. گفتم^۷ پادشاهان^۸ را بچه چیز بیشتر حاجت افتد^۹،
 گفت بمردم دانا^{۱۰}. گفتم^{۱۱} اندر^{۱۲} جهان که بیگانه^{۱۳} تر، گفت
 آنک نادان تر^{۱۴}. گفتم اندر جهان^{۱۵} که نیکبخت تر^{۱۶}، گفت آنکس
 که^{۱۷} کردار^{۱۸} بسخاوت بداراید و گفتار^{۱۹} برآستی^{۲۰}. گفتم

- ۱ - چنین است در ح و ش و د . ج و ع و ک و س . آنکه .
- ۲ - چنین است در نسخه س . ج و ع : دارد . ش : در وی باشد . د : در وی سه خصلت بود . ح : سه چیز از وی نماند .
- ۳ - این کلمه در ح نیست .
- ۴ - این حرف در نسخه ج نیست .
- ۵ - چنین است در ح . نسخ دیگر : محبت .
- ۶ - از این جا تا جمله « نیکوئی بچند چیز تمام شود » در صفحه (۱۹) از نسخه ش سقط شده است .
- ۷ - چنین است در ح . سایر نسخ : پادشاه .
- ۸ - ع و س : حاجت بیشتر افتد . ح : را حاجت بچه بیشتر .
- ۹ - ح : بمردم استوار عاقل خردمند .
- ۱۰ - ع : گفتم هیچ عز^{۱۰} هست . . . الخ . این حکمت در این نسخه پیش آمده است .
- ۱۱ - چنین است در ح . نسخ دیگر : درین .
- ۱۲ - چنین است در ج و ک . ح و س : که بیکارتر . این حکمت در نسخه ع پس از سه حکمت دیگر آمده است .
- ۱۳ - ع : گفت نادان . ح : نادان پرورد .
- ۱۴ - چنین است در ح . س : در جهان . نسخ دیگر : در این جهان .
- ۱۵ - د : نیکوتر .
- ۱۶ - چنین است در ح . نسخ دیگر : آنکه .
- ۱۷ - ح و س : کردار را .
- ۱۸ - ح : گفتار را .
- ۱۹ - ح : برآستی و آن که جهان را بدین جهان ندهد .
- ۲۰ - این حکمت در ج و س نیست .

هیچ عز هست که دروا^۱ ذل باشد، گفت عز^۲ در پادشاه و عز با حرص و عز با عشق. گفتم^۳ چه چیزست که آنرا [؟]^۴ برابر باید داشت، گفت سه چیز، [یکی] عهدی که با کسی کنی و فاکنی، دوم امانت را باورسانی، سیم چون ترا با کسی و حشمتی باشد چون دست یابی برو رحمت کنی. گفتم چند چیزست که اندوه ببرد، گفت سه چیز، یکی دیدن دوست بخلص، دوم گذشتن روزگار، سیم یار موافق. گفتم چند چیزست که ازوایمن نتوان بود هر چند [با آخر؟] بزرگ شود و اول اندک نماید، گفت بازی و بد خوئی و خوار داشتن کارها. گفتم آفت علم چند چیزست، گفت بر مردمان عرضه کردن بی آنک درخواهند و بناسزا آموزانیدن و پیش کسی که نداند گفتن. گفتم بر چند چیز اعتماد نتوان^۵ کردن، [گفت] بر تندرستی ها بسیار خوردن^۶. گفتم^۷ نیکوئی را بچه چیز شکر کنم، گفت [سه] چیز^۸، دوستی بدل و ثنا بزبان و مکافات بکردار. گفتم درین جهان حال کدام کس^(۹) بهترست، گفت آنک در [و] چهار [چیز] گرد آید^(۱۰)، علمی تمام و مالی تمام و همّتی بلند و تن درستی. گفتم از چه

۱ - چنین است در نسخه ع و ت. ک: در آن. ح: بدان.

۲ - ح: سه عز باشد باذل، یکی خدمت پادشاه، دوم عز عشق، سیم عز با حرص.

۳ - از این حکمت تا «گفتم چکنم تا...» جز در ح در هیچ يك از نسخ دیگر اصلاً نیامده است.

۴ - ظاهراً در این جا کلمه یا کلماتی سقط شده است.

۵ - در اصل: بتوان.

۶ - ظاهراً پاسخ ناقص است.

۷ - در اصل: گفت.

۸ - در اصل: حیر.

۹ - در اصل: قوم.

۱۰ - در اصل: درجهها گرداند.

چیز پرهیز کنم، گفت از مزاح کردن بازیردستان خویش و بی فرهنگان.
گفتم^۱ چکنم^۲ تا مردمان^۳ مرا دوست دارند، گفت^۴ در معاملت^۵ ستم
مکن^۶ و دروغ مگوی^۷ و بزبان کس^۸ را مرنجان^۹. گفتم^{۱۰} از علم
آموختن^{۱۱} چه یابم، گفت اگر بزرگ باشی^{۱۲} نامدار شوی^{۱۳} و اگر
درویشی توانگر گردی^{۱۴} و اگر مجهول باشی^{۱۵} شناخته^{۱۶} شوی^{۱۷}.

- ۱ - تا این جا چنانکه پیش از این اشاره شد از نسخ دیگر سقط شده است.
- ۲ - این حکمت در ح این جا آمده لکن در نسخه های دیگر مؤخر^{*} گشته ما چون نسخه ح اقدام واکمل نسخه هاست ترتیب آن را حفظ و رعایت کردیم.
- ۳ - چنین است در ح . ج و ع و گ و س . تا مردم . . . ش : چیست که مردمان او را بدان دوست دارند .
- ۴ - ش : گفت . چیز .
- ۵ - این کلمه در نسخه ع نیست .
- ۶ - ش : ستم نا کردن .
- ۷ - ش : دروغ نا گفتن .
- ۸ - چنین است در ح و ع . ج و ش و س : کسی .
- ۹ - ش : کسی را نارنجانیدن .
- ۱۰ - این حکمت در ح و ع بدین جاست و در نسخ دیگر مؤخر^{*} .
- ۱۱ - چنین است در ج و ع و س و گ . ح و ش : اگر علم بیاموزم .
- ۱۲ - چنین است در ح و ج و ش و د . ع و گ و س و ت : اگر بزرگی .
- ۱۳ - ش : بزرگ و نامدار گردی . د : نامور گردی . ح : توانگر گردی .
- ۱۴ - چنین است در نسخه س . ج و ع و ش و گ : شوی . در ح دو جزء اول درهم شده و بدین صورت در آمده است : اگر بزرگ باشی توانگر گردی .
- ۱۵ - چنین است در ح . ج و ع : معروفی . ش و س : معروف باشی . د : معروف نباشی .
- ۱۶ - چنین است در ح . ج و ع و ش و س : معروف تر . د : معروف گردی .
- ۱۷ - چنین است در ح . نسخه های دیگر : گردی .

گفتم^۱ چه^۲ چیزست که پنهان داشتن آن از مروتست، گفت درویشی و غم^۳ از دشمنان و صدقه دادن. گفتم چه چیزست که بکنم و ضایع نشود، گفت تدبیر با آنکس که داند و دانش نزدیک آنک کار فرماید و خواسته نزد آنک هزینه کند^۴. گفتم آبادانی این جهان از کجاست، گفت بدانک حق تعالی حرص و آز و غافلی در دل مردم نهاد. گفتم^۵ از خوبیها چه^۶ گزینم ناهیج جای^۷ غریب نباشم، گفت از تهمت^۸ دور شو و کم آزار باش^۹ و ادب بجای آور^{۱۰}. گفتم^{۱۱} علم بچه پاینده^{۱۲} است، گفت بدانک علم بدین جهان و بسدان جهان بزرگی داده است. گفتم^{۱۳} عبادت^{۱۴} چند بهره است، گفت سه بهره است^{۱۵}، یکی بهره

- ۱ - از این جا تا « گفتم از خوبیها ... » فقط در ح آمده و از نسخه های دیگر بکلی سقط شده است.
- ۲ - در اصل : سه .
- ۳ - در اصل : غم پنهان داشتن .
- ۴ - استعمال دانش کردن و خواسته کردن چنانکه از سؤال برمیآید مورد تأمل است .
- ۵ - از گفتم چه چیز است ... تا این جا چنانکه پیش از این اشاره کردیم از نسخه های دیگر سقط شده است .
- ۶ - چنین است در ح . ع و گ و س : خوی خوش کدام . ج : گفتم کدام ...
- ۷ - چنین است در ح . سایر نسخ : در غربت .
- ۸ - چنین است در ح و ج و س و د . ع : تهمت زده .
- ۹ - ح : کم آزاری پیش گیر .
- ۱۰ - د : ادب همه وقت نگاهدار .
- ۱۱ - این حکمت فقط در ح آمده است .
- ۱۲ - در اصل : باشد .
- ۱۳ - این حکمت در ح بدین جاست و در نسخه های دیگر مؤخر . س از این جا تا « گفتم نشان ... » را ندارد .
- ۱۴ - چنین است در ح و د : ج و ع و گ : عبادت را .
- ۱۵ - چنین است در ح . سایر نسخ : سه بهره .

تن بعمل کردن^۱، دوم بهره زبان بذکر کردن^۲، سوم بهره دل بفکر کردن^۳. گفتم^۴ حق مهتر^۵ بر کهنتر چیست^۶، گفت آنک رازش نگاه^۷ دارد و نصیحت ازو باز نگیرد^۸ و بروی مهتری دیگر نگزیند^۹. گفتم نشان دوست نیک بخت^{۱۰} چیست، گفت آنک خطا^{۱۱} بیوشد و پند و نصیحت دهد^{۱۲}. گفتم^{۱۳} دوست بد بخت کیست، گفت آنک بر بدی یاری کند و راز آشکارا و بعد از آنک کاری گذشته باشد بگوید چنین نمیبایست کرد^{۱۴}. گفتم چکنم^{۱۵} تا زندگانی بسلامت گذرد، گفت پرهیز کن

- ۱ - چنین است در نسخه ج . ع و د ، عمل . ت ، و آن عمل کردن است .
- ۲ - چنین است در نسخه ج . ح و ع و د ، ذکر . ت ، و آن ذکر گفتن است .
- ۳ - چنین است در نسخه ج . ع و د ، فکر . ت ، و آن ذکر کردن است . ح : بهره دل فکر و بهره زبان ذکر و بهره تن عبادت (۱)
- ۴ - این حکمت در ح مقدم بر حکمت اخیر است و در نسخه های دیگر مؤخر .
- ۵ - ح : پادشاه .
- ۶ - ح : چند است .
- ۷ - چنین است در ح . سایر نسخ : نگه .
- ۸ - ح : نصیحت باز نگیرد .
- ۹ - ح : مهتری نگزیند .
- ۱۰ - چنین است در ح . ج و س و د : نیک . ع : نیکو .
- ۱۱ - چنین است در ح . سایر نسخ : خطای تو .
- ۱۲ - چنین است در ح . ج و ع : ترا پند دهد . س : پند دهد بر آن .
- ۱۳ - ۱۴ - چنین است در ح . در نسخه های دیگر دو حکمت درهم ریخته شده است ، ج : و راز آشکارا نکند ، و بر گذشته نگوید چنین می بایست . ع و س : و راز آشکارا . . . این چنین می بایست . س : و راز آشکارا . . . که چنین . . .
- ۱۵ - ح : چه چیز کنم .

از استخفاف کردن بر^۱ پادشاه وقت و علماء دین و دوست صادق . گفتم
نیکوئی با که باید کرد ، گفت با عاقل و خداوند حسب^۲ . گفتم با چند
گروه نیکوئی بکنم و شاید که کنند^۳ ، گفت با ابله و با بدگوی^۴ و با
بدفعل^۵ . گفتم نیکوئی بچند چیز تمام شود ، گفت بتواضع بی توقع^۶
و بکرم و سخاوت^۷ بی منت^۸ و بخدمت^۹ بی طلب مکافات . گفتم^{۱۰}
چند چیزست که زندگانی بدان^{۱۱} آسان توان کرد^{۱۲} ، گفت سه چیز^{۱۳} ،
پرهیزگاری و بردباری و بی طمعی . گفتم سرمایه حرب کردن چیست ،

۱ - ح : بر سه کس بر ...

۲ - چنین است در نسخه ج و ع و س و گ . ح : با خداوندان نسب .

۳ - چنین است در ح . نسخه های دیگر : نیکوئی نباید کرد .

۴ - چنین است در ح . ج و ع و گ : و بدگوی . در نسخه س « و باید گوی » سقط شده است .

۵ - چنین است در ح . سایر نسخ : و بدفعل . از حکمت سطر (۳) صفحه (۱۴) تا اینجا از نسخه ش سقط شده است .

۶ - چنین است در ح و ع و س . ش : بتواضع .

۷ - ۸ - چنین است در ح . ج و ع و س : و سخاوت بی منت . ده کرم بی منت . از نسخه ش سقط شده است .

۹ - چنین است در ح . سایر نسخ : و خدمت .

۱۰ - از اینجا تا عبارت « گفتم چند چیزست که ازیشی ... » از نسخه ش سقط شده است .

۱۱ - چنین است در ج و س و د . ح و ع : با آن .

۱۲ - چنین است در نسخه ج و س و د . ع : گذارد .

۱۳ - چنین است در ح . این دو کلمه از سایر نسخه ها افتاده است .

گفت عزم درست و نیرو و نشاط^۱. گفتم^۲ چند چیز است که از بیشی^۳
مستغنی نیست، گفت سه چیز^۴، خردمند اگر چه عاقل^۵ بود از مشورت^۶
مستغنی^۷ نباشد^۸ و^۹ مرد حرب^{۱۰} اگر چه نیرومند^{۱۱} بود از حیلت
مستغنی نکردد^{۱۲} و پارسا^{۱۳} اگر چه پرهیزگار^{۱۴} باشد^{۱۵} از زیادت
عبادت^{۱۶} مستغنی نکردد^{۱۷}. گفتم حاجت خواستن بچه^{۱۸} تمام شود،

- ۱ - چنین است در ج و ع و س و گ و ت . ج : نیروی نشاط .
- ۲ - این حکمت در ح بدین موضع است لکن در نسخه های دیگر حکمت بعد مقدم و این مؤخر آمده است .
- ۳ - ح : دیگر چیز .
- ۴ - چنین است در ح . سایر نسخ : گفت خردمند . . .
- ۵ - ح : توانا .
- ۶ - دو کلمه « از مشورت » از نسخه ش سقط شده است .
- ۷ - ج : مستثنی . این حکمت در نسخه ش بدین صورت آمده است : گفتم چیست که دیگری مستغنی نیست گفت سه چیز خردمندان را مشاورت بادانایان و مرد حرب اگر چه نیرومند بود و زحیلت و بازی (یاری ؟) و زاهد اگر چه پرهیزگار بود از عبادت .
- ۸ - چنین است در ج و ع . س : نیاید . ح : نیست .
- ۹ - این حرف در نسخه س نیست .
- ۱۰ - چنین است در ح . نسخه های دیگر : جنگی .
- ۱۱ - چنین است در ح و ش . ج و ع و س : زورمند .
- ۱۲ - ح : نیست .
- ۱۳ - چنین است در ح . ج و ع و گ و س و ت : سالک . ش : زاهد .
- ۱۴ - چنین است در ح و ش . ج و ع و گ : بر طاعت . س و ت : پر طاعت
- ۱۵ - چنین است در ج و ع و گ و س . ت : بود .
- ۱۶ - چنین است در ح . ج و ع و س : از زیادتی آن . ش : از عبادت .
- ۱۷ - ح : نیست . ع : نباشد .
- ۱۸ - چنین است در ح . ج و ع و س و گ : بچند چیز .

گفت بدانچه^۱ از کسی^۲ خواهی که خوش خوی تر^۳ و^۴ تواند دادن و اندر وقت خویش خواهی^۵ و آن چیز خواهی که^۶ سزاوار^۷ آن باشی^۸. گفتم^۹ هیچکس نیک بخت تواند شد بکاری که کند، گفت دو تن^{۱۰} بدو کار، بنده چون بخداوند بگرود و زن که بشوهر بگرود نیک بخت شوند. گفتم^{۱۱} خواسته از بهر چه باید^{۱۲}، گفت تاحق^{۱۳} خویشان و نزدیکان بدان^{۱۴} بگزازی^{۱۵} و بسوی^{۱۶} مادر و پدر ذخیره^{۱۷} فرستی و توشه آن

۱ - ع ، بآنچه ، ح این کلمات را ندارد .

۲ - ج این دو کلمه را ندارد .

۳ - چنین است در ج و س و ک . ع ، خوش خوی تر باشد .

۴ - ۵ - چنین است در ح . در نسخه های دیگر نیامده است .

۶ - ج ، و آن چیز که .

۷ - ح ، مستحق .

۸ - چنین است در ح . ج و ع و ک : سزاوارتر . س : سزاوارتر بود .

۹ - این حکمت جز در ح در هیچ يك از نسخه های دیگر نیامده است .

۱۰ - در اصل ، بدو تن .

۱۱ - در جمیع نسخه ها جز در ح این جا حکمتی که بالاتر آورده شده و چنین شروع

میشود ، « گفتم چند چیزست که از بیشی مستغنی نیست . . . » آمده و بعد از آن

این حکمت که قبلا نقل شده ، « گفتم چکنم تا مردمان مرا دوست دارند . . . » و پس

از آن این حکمت ، « گفتم از علم آموختن چه یابم . . . » که آن نیز ثبت آمده است.

۱۲ - چنین است در ح و د . ج و ع و س ، بکار آید . ش ، باشد .

۱۳ - ۱۴ - ش ، تا حقهای مردم از گردن خویش . ح ، با خویشان و مستحقان را

بارجویی و حق ایشان .

۱۵ - چنین است در ح و ع و ش . ج و س و د ، بگزازی .

۱۶ - ۱۷ - ش ، و ذخیره از برای پدر و مادر بفرستی . ح ، و صدقه از بهر پدر و

مادر بفرستی .

جهان^۱ از بهر خود برداری و^۲ نیک زادگان را و خداو [ندان] علم
را چیزی بخشی تا از بهر آن جهان نیکی اندوخته باشی^۳ و دشمن را
بدان^۴ دوست گردانی^۵ و دوست درویش^۶ را بی نیاز کنی^۷ و^۸ خویش
وزن و فرزند را نیکو داری^۹ . گفتم هیچ^{۱۰} باشد که نخورند^{۱۱} و^{۱۲}
تن را سود دارد^{۱۳} ، گفت شش چیز^{۱۴} ، جامه^{۱۵} نرم^{۱۶} و دیدار نیکو^{۱۷}
و^{۱۸} صحبت بزرگان^{۱۹} و^{۲۰} نیکی^{۲۱} دیدن از دوستان^{۲۲} و^{۲۳}

- ۱ - ش : بجای آن جهان : عقبی .
- ۲ - ۳ - این جزء فقط در ح آمده و از نسخه های دیگر سقط شده است .
- ۴ - ع : بآن . در ح و ش نیامده است .
- ۵ - چنین است در ح و ع و ش و ک و س و د . ج : دوست دار کنی .
- ۶ - چنین است در ح . این کلمه از سایر نسخ سقط شده است .
- ۷ - چنین است در ح و س . ج و ع : گردانی .
- ۸ - ۹ - این جزء فقط در ح آمده است .
- ۱۰ - ۱۱ - چنین است در ح . ج و ع و س : چه چیزست که اگر چه نخورند . ش
هیچ چیز نباشد که نخورند .
- ۱۲ - چنین است در ح . ج و ع و ش و س این حرف را ندارد .
- ۱۳ - ع و ص : کند .
- ۱۴ - ح : گفت جامه . . .
- ۱۵ - در نسخه س این شش چیز جابجا شده است .
- ۱۶ - ج این حرف را ندارد .
- ۱۷ - ش : و دیدار . م : آواز خوش . در ح دو جزء جامه^{۱۸} نرم و دیدار نیکو درهم ریخته
شده و بصورت جامه^{۱۹} نیکو در آمده است .
- ۱۸ - ش و س و ت و م : نیکان . این دو کلمه در ح نیامده است .
- ۱۹ - ۲۰ - این جزء در ح و ش نیامده است .

گرما به^۱ معتدل و بوی خوش^۲ .

۱ - ش : حمام .

۲ - ح : و بوی خوش و کارخانه بر است داشتن و دیدار دوست خالص . پس از این بار دیگر پرسش و پاسخی که بالاتر نقل شده و چنین شروع میشود : « گفتم چه باید کرد تا مردم مرا دوست دارند ... » تکرار گشته و رساله با کلمات زیر پایان یافته است :
والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین . اما آخرین حکمت متن در نسخه د چنین آمده است : گفتم مرا چه چیز سود دارد گفت جامه سفید و بوی خوش و دیدن آب و سبزه و دیدار دوستان در تنعم و خوشی و رفتن در باغ و بوستان و دیدن صورت خوب و دریافتن بزرگان دین از مرده و زنده و در گرما آبه [چنین] رفتن و با آب معتدل اندام شستن و خود را از عشرت نگاهداشتن و پیوست هر شب وقت خفتن آب گرم خوردن و بعد از آن آب سرد نخوردن این چیزها را دوست دارید که فواید بسیار دارد هر که بدین گفتارهای ارسطاطالیس [چنین] کار کند او عالم وقت باشد و بکسی محتاج نگردد ، انشاء الله تعالی . در نسخه م پس از این حکمت هائی هست که در نسخه ح و ج و غ و س و گ و ت و د نیامده و در ش بنام لقمان حکیم ضبط شده است . در پایان نسخه ش پس از نقل سؤالهائی که از لقمان کرده اند و پاسخهای وی این عبارت آمده است : تم الرسالة الموسوم (چنین) بظفرنامه والحمد لله رب العالمین .

فهرستها

۱ - فهرست نامهای تاریخی

آ (۱)

آقای بزرگ (میرزا احمدخان) ص ۵۲

الف

ابراهیم سلطان (ابوالفتح میرزا) ص ۵ +

ابن ابی اصیبه ص ۱۹ و ۳۱

ابن الاثیر ص ۱۸

ابن سینا (شیخ رئیس) ص ۱ و ۱۲ و ۱۸ + ۱۹ و ۲۰ + ۲۱ و ۲۲ و

۲۳ + ۲۴ و ۵۲

ابن الندیم ص ۳۲

ابوسعید ابوالخیر ص ۱۹ و ۲۰

ابوالفتح میرزا ابراهیم سلطان (رش: ابراهیم سلطان)

ابوالقاسم ابن سید محمد ص ۴۴

اپیکتئوس ص ۳۵

ائه (هرمان) ص ۴ و ۵ + ۶ و ۷ و ۱۲ و ۴۶ و ۴۸ + ۴۹

ادواردس ص ۴۹

ارسطاطالیس ص ۸ و ۱۲ + ۱۳ + ۲۳

ارسطو (رش: ارسطاطالیس)

۱ - ارقام درشت سیاه راجع به صفحات متن کتاب و بقیه ارقام مربوط به صفحات مقدمه و حواشی کتاب است .

فهرست نامهای تاریخی

ارگین (عثمان) ص ۲۰ + ۴۸

استوری ص ۴

اسماعیل بن قاضی ص ۴۲

اعتصامی (یوسف) ص ۴۴

افشار (ایرج) ص ۶ + ۷ + ۱۲ + ۳۴ و ۴۹

افغانی (محمد خان) ص ۷

اقبال (عباس) ص ۵

اکبرخان ص ۶

امیرک ص ۲۱

انوشروان ص ۸ + ۹ + ۱۰ + ۱۱ + ۱۳ + ۱۷ + ۱۸ + ۲۱ و

۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۳۱ و ۳۲ + ۹ + ۴ و

اورنگ زیب ص ۶

ب

بالونامنبه دته ص ۴۹

بایزید ص ۴۹ +

بایزید اول (یلدرم) ص ۴۹

بایزید دوم ص ۴۹

برون (ادوارد) ص ۳ و ۴ و ۶ و ۱۱ و ۱۵ + ۹

بروکلمن ص ۱۹ و ۲۰ + ۴۸ و ۴۹

بزرگمهر ص ۱ و ۸ + ۹ + ۱۰ + ۱۱ + ۱۲ + ۱۳ + ۱۴ + ۱۵ و

۱۶ و ۱۷ + ۲۰ و ۲۱ + ۲۲ + ۲۳ + ۲۴ و ۲۵ + ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و

۳۲ + ۴۱ و ۴۲ + ۴۸ و ۵۲ و ۴ + ۳

بلعمی (ابوعلی محمد) ص ۲۱

بلوئه (ادگار) ص ۴ و ۵ + ۱۱ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ + ۴۶ و ۴۷ و ۴۸

بودا (لوسین) ص ۴ و ۵

بهار ص ۳ و ۵ و ۲۹ و ۳۱

بیانی (دکتر خابابا) ص ۴

بیانی (دکتر مهدی) ص ۱۱ و ۵۱

پ

پلوتارخس ص ۳۵

ت

تاتار ص ۲
 تاور (فلیکس) ص ۴
 تربیت (محمد علی) ص ۵۰
 تقی زاده (سید حسن) ص ۳ و ۵ و ۱۰ و ۴۷
 تیمور (امیر) ص ۴ و ۵ و ۶

ج

جاماسب آسانا ص ۳۱ و ۴۱ و ۴۲
 جامی ص ۳۴ +
 جبرائیل بن عبیدالله ص ۳۲
 جلال الدین حسینی ارموی (میر) ص ۴۴ و ۵۲
 جوزجانی (ابو عبید) ص ۱۹
 جهانگیر (نورالدین محمد) ص ۶

ح

حاجی بن نظام (رش : عقیلی)
 حاجی خلیفه ص ۳ و ۴ + ۵ و ۱۷ و ۱۸ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ + ۲۵ و ۲۶
 حارث بن کلدی ص ۳۱
 حافظ ابرو ص ۴ +
 حکمت (علی اصغر) ص ۳ و ۴
 حکیمان هفت گانه ص ۳۷
 حکیم نوری ص ۵۰
 حمدالله مستوفی قزوینی ص ۳ و ۹ و ۲۳ و ۲۷ و ۳۰ + ۴۰
 حنین بن اسحق ص ۳۲

خ

خسروانوشروان ص ۸ + ۱۲ و ۱۴ + ۲۲ و ۲۷ + ۲۸
 خواری (قوام الدین نظام الملک) ص ۴۳
 خوند میر ص ۴۳

د

- دارابی ص
- دبستانی (محمود) ص ۲۰
- دبیرسیاقی (محمد) ص ۱۳ و ۴۴
- درانی (احمدشاه) ص ۷
- دولتشاه سمرقندی ص
- دهخدا ص ۱

ر

- رجوی (کاظم) ص ۱ • + و ۲ •
- رسول ص ۳۲
- رضائی (ابراهیم) ص ۲ •
- رنجیت سنگه ص ۷
- روحانیون زرتشتی ص ۲۴
- ریو (چارلز) ص ۳ و • و ۶ + و ۷ و ۴۷ +

ز

- زالمان ص • •

س

- سامانیان ص ۲۳
- سنان بیک ص ۴۹
- سلیمان خان قانوی (سلیمان اول) ص ۴۹ +
- سهروردی (مفتول) ص ۲۰
- سیف الدین حاجی (رش : غفیلی)

ش

- شاه جهان ص ۶
- شاهرخ (میرزا) ص ۴
- شرف الدین علی (یزدی) ص ۴

شفر (شارل) ص ۳ و ۱۱ و ۲۲ + ۲۳ و ۲۵ و ۲۷ و ۴۱ و ۴۲ + ۴۵ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ + ۵۲

شفق (دکتر رضا زاده) ص ۵

شو کفسکی ص ۵۰

ص

صاحب بن عباد ص ۳۲

صدیقی (غلامحسین) ص ۵

صفا (دکتر ذبیح الله) ص ۳

صفا (میرزا عباسعلی) ص ۷

ع

عبدالله (س. م) ص ۷

عبدالله بن لطف الله (دش: حافظ ابرو)

عجمی (محمد بن احمد) ص ۵

عطار ص ۳۴ +

عقیلی (سیف الدین حاجی بن نظام) ص ۴۳ + ۵۲

علی (امیر المؤمنین) ص ۴۴

علی نقی شیرازی ص ۵۲

علی یزدی ص ۵

عوفی ص ۴۴

غ

غزالی ص ۳۰

غلام محیی الدین ص ۷

ف

فردوسی ص ۸ و ۱۴ و ۱۶ و ۲۲ + ۲۳ + ۲۴ و ۲۵ + ۲۶ + ۳۱ +

فرهاد میرزا (حاجی) ص ۴۱

فضل اعظم ص ۷

فلوگل (گوستاو) ص ۴۹

فیروز آبادی ص ۴۲

ق

قاسم ص ۷

قدسی ص ۶

قزوینی (محمد) ص ۵

قزوینی (ملا عبدالنبی) ص ۶

قنوائی ص ۴۹

قوام الدین نظام الملک ص ۴۳ +

ک

کاتب چلبی (رش: حاجی خلیفه)

کروازت ص ۳۵

کریستن سن (ارغور) ص ۱۷ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۴ + و ۲۵ + و ۳۱ و ۵۰ و ۵۱

کسری ص ۱۶ و ۲۶

کمیته تهیه مقدمات جشن هزاره ابن سینا ص ۵۳

ل

لاکروا (پشودو) ص ۵

لقمان ص ۴۵ و ۴۳

لیک (لرد) ص ۷

م

محدث ص ۴۴ و ۲۰

محمد مصطفی ص ۲ و ۴۳

محمد بن عبدالغنی (رش: نادری)

محمدجان مشهدی ص ۶

محمد شفیع ص ۶

محمود (میرزا محمودخان مفتاح الملک) ص ۵۰

مسائی (رستم) ص ۴۸

فهرست نامهای تازیانه

- مسکویه (بوعلی) ص ۲۱ +
مشکوة ص ۳ و ۴۵ و ۴۶ و ۵۱
مصطفی بن عبدالله (رش: حاجی خلیفه)
معمدالدوله (رش: فرهاد میرزا)
مفتاح الملك (رش: محمود)
منصور بن نوح (امیر ابوصالح) ص ۲۱
مؤبدان ص ۱۴
مهدوی (دکتر یحیی) ص ۲ و ۱۹ و ۲۰ + و ۴۰ و ۴۸
مسیر خواد ص ۴۳
میکنده (عبدالحسین) ص ۱۷ و ۲۱ و ۳۱ و ۵۰
مینوی (مجتبی) ص ۱۲ و ۴۰ و ۴۷

ن

- نادری (جمال الدین محمد بن عبدالغنی متخلص به ...) ص ۶
نظام الدین هروی شامی (= شنبی = شنب غازانی) ص ۴ +
نفیسی (سعید) ص ۳ و ۱۷ و ۴۴
نوح بن منصور سامانی ص ۱۸ + و ۱۹ + و ۲۴ +
نورالدین بن نظام ص ۴۲
نولدکه ص ۲۳

و

- وحدت (محمد صادق) ص ۴۵

ه

- هاتفی (عبدالله - خواهرزاده جامی) ص ۵
الهداد (محمد) ص ۵
هروی شامی (رش: نظام الدین ...) +
همایون فرخ (عبدالرحیم) ص ۵۲

فهرست نامهای تاریخی

هورتن (ماکس) ص ۱۸

هیأت مدیره انجمن آثار ملی ص ۵۳

هیأت مؤسسان انجمن آثار ملی ص ۵۳

ی

یحیی بن سیدسما به ص ۴۶

یوسف (میرزا) ص ۵۰

۲- فهرست نامهای جغرافیائی و جایها

الف

انجمن معارف ص ۵۰
ایندیا افسی (رش: کتابخانه دیوان هند)

ب

بهرتپور ص ۷

ت

تبریز ص ۵۰

د

دانشگاه تهران ص ۴۵ و ۴۶

ف

فرهنگستان وینه ص ۴۹

ك

کابل ص ۷
کتابخانه ادبیه ص ۵۰
کتابخانه اشیائیک سوسایتی بنگاله ص ۴۹
کتابخانه بادلیان اکسفورد ص ۴۸ +
کتابخانه حمیدیه (رش: کتابخانه مرادملا)

فهرست نامهای جغرافیا و جاییها

- کتابخانه دیوان هند (ایندیا افیس) ص ۸ و ۱۲ + ۱۳ و ۴۶ و ۴۸ +
کتابخانه مجلس شورای ملی ص ۴۳ و ۴۸
کتابخانه مرادملا ص ۲ و ۲۷ و ۴۰ و ۴۷
کتابخانه ملی پاریس ص ۳ و ۱۱ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ + ۴۶ +
کتابخانه موزه بریتانیا ص ۶ و ۸ و ۱۰ و ۱۲ و ۲۷ و ۴۷ + ۴۸
کتابخانه تور عثمانیه ص ۲۰
کتابخانه وینه ص ۴۹
گمبریج ص ۶

ل

لیدن ص ۴۱

م

- مدرسه افتتاحیه ص ۵۰ +
مدرسه زبانهای زنده شرقی پاریس ص ۵۰
مؤسسه شرقیه چکوسلاواکی ص ۴

ه

هند ص ۷

۳- فهرست نامهای کتابها و نشریه‌ها و روزنامه‌ها و مقالات

آ

آثار الوزراء ص ۲ و ۳۰ و ۴۳ + ۴۴ و ۵۲
آداب بزرگمهر ص ۲۱

الف

احوال و اشعار رودکی ص ۳
اخلاق جلالی ص ۲۰
اخلاق ناصری ص ۲۰
ادبیات فارسی ص ۴
اسکندرنامه تیموری ص ۵
اسکندرنامه نظامی ص ۶
الفباء مصور ص ۵۰
امثال و حکم ص ۵۱
اندرزنامه‌های پهلوی ص ۳۶
ایاتکار زیریران ص ۲۹
ایاتکار و زرك ميتر ص ۲۵ و ۲۹ و ۳۱
ايضاح المكنون في الذيل على كشف الظنون ص ۶

ب

بهارستان ص ۳۴ +

پ

پادشاه نامه ص ۶
 پندنامك و زر كك ميتر ص ۹ و ۲۲ + و ۲۳ و ۲۴ + ۲۵ + ۲۶ + ۳۱ +
 پندنامه بزرگمهر ص ۱۶ و ۱۷
 پیروزنامه ص ۱ +
 پیروزی نامك ص ۱
 پیروزی نامه ص ۱ و ۱۸ و ۵۲

ت

تأديب الاطفال ص ۵۰ +
 تاريخ ادبيات ايران ص ۳ و ۴
 تاريخ ادبيات عرب (ذيل) ص ۴۸
 تاريخ ادبيات فارسي ص ۴ و ۵ + و ۶ و ۷ و ۴۹
 تاريخ ادبيات يونان ص ۳۵
 تاريخ جهانگير ص ۵
 تاريخ ظفرنامه ص ۴
 تاريخ كزيبده ص ۲ + و ۹ و ۲۷ و ۳۰ + و ۴۰ و ۴۲ و ۴۳ + ۴۵ + ۴۷ و
 ۴۸ و ۵۰ + و ۵۱
 تاريخ نامه بلعمی ص ۲۱
 تحفة الملوك ص ۱۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۴۷
 تحفة الوزراء ص ۳۴
 تذكرة الاولياء ص ۳۴ +
 تذكرة الشعراء ص ۵
 تذكرة ميخانه ص ۶
 ترجمه خطبة غراء ص ۵۲
 ترجمه ظفرنامه ص ۵
 ترجمه فارسي پند نامك ص ۲۲
 تسع رسائل ص ۲۰
 تعليقات قزويني ص ۴۴
 تفويم تربيت ص ۵۰ و ۵۱
 تمدن نيموري ص ۴ و ۵

فهرست نامهای کتابها و نشریه‌ها و روزنامه‌ها و مقالات

تمور نامه ص ۵
تیمور نامه ص ۵ +

ج

جاویدان خرد ص ۲۱
جشن نامه ابن سینا ص ۱۸
جنگک دبیرسیاقی ص ۳
جنگک کهنه ص ۳ و ۴۲ و ۵۱

ح

حاشیه شرح هدایة الاثریة ص ۲۰
حماسه سرائی در ایران ص ۳
حماسه ملی ایران ص ۲۳
حواشی قابوسنامه ص ۱۷

خ

خردنامه ص ۲ + و ۸ و ۹ و ۲۷ + و ۲۸ و ۳۰ + و ۳۱
خطبة الشيخ (= خطبة الغراء) ص ۱۹
خطبه‌ها ص ۱۹

د

داستان بزرگمهر حکیم ص ۱۷ و ۲۱ + و ۳۱ و ۵۰ و ۵۱
داستان حسین باغلام ص ۳۳
داشنامه ص ۳ و ۴۶ و ۵۱
دستورالوزراء ص ۴۳
دیوان سنائی ص ۲۰

ذ

ذیل تاریخ ادبیات عرب ص ۱۹
ذیل جامع التواریخ ص ۴
ذیل فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزة بریتانیا ص ۳ و ۶

ر

- رساله دفع خوف از مرگ ص ۲۱
- رساله سرگذشت ص ۱۹
- رساله صناعیه ص ۳۰
- رنجیت نامه ص ۷
- روزنامه معارف ص ۵۰

ز

- زبدة التواریخ بایسنقری ص ۴

س

- سالنامه یارس ص ۲۰
- سبك‌شناسی ص ۳ و ۴ و ۵ و ۳۱
- سیرت ابن خفیف ص ۳۳

ش

- شاهجهان نامه ص ۶
- شاهنامه (فردوسی) ص ۹ و ۱۴ و ۱۵ + ۱۶ + ۲۲ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ + و ۳۱ + ۳۲
- شرح احوال و سخنان بزرگمهر ص ۴۴

ص

- صرف و نحو فارسی ص ۵۰

ط

- طبقات الاطباء ص ۱۹ + ۳۱

ظ

- ظفرنامه (منسوب به بزرگمهر) بتقریب در جمیع صفحه‌ها
- ظفرنامه (اولین) ص ۲۴ +

فهرست نامهای کتابها و تشریحات و روزنامه‌ها و مقالات

- ظفرنامه (دومین) ص ۲۴
ظفرنامه اکبری ص ۶
ظفرنامه تیموری ص ۴
ظفرنامه تیموری (تیمورنامه) ص ۵
ظفرنامه رنجیت سنگه ص ۷
ظفرنامه شرف‌الدین علی ص ۴ و ۶
ظفرنامه صاحب‌فرانی ص ۴ و ۵ +
ظفرنامه عالمگیری ص ۶
ظفرنامه کابل ص ۷
ظفرنامه گویند سنگه ص ۷
ظفرنامه نادری ص ۶
ظفرنامه ناصری ص ۷
ظفرنامه منظوم بهر تیور ص ۷
ظفرنامه منظوم شاه‌جهانی ص ۶

ع

العهد ص ۲۰

عهد ص ۱۹

ف

فلسفه اسلام ص ۱۸

الفهرست ص ۳۲

فهرست قنواتی ص ۱۹ و ۲۰ +

فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ص ۴۳ و ۴۴

فهرست کتابهای چاپی و فارسی در موزه بریتانیا ص ۴۹

فهرست کتب خطی فارسی کتابخانه بهار ص ۶

فهرست کتب خطی کتابخانه بشکاله ص ۶

فهرست نسخه‌های خطی اسلامی کمبریج ص ۶

فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه پنجاب ص ۷

فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دیوان هند ص ۱۲ و ۴۶ و ۴۸

فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس ص ۵ + ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ +

و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸

فهرست نامه‌های کتابها و نشریه‌ها و روزنامه‌ها و مقالات

فهرست نسخدهای خطی فارسی موزه بریتانیا ص ۳ و ۵ و ۶ +

فهرست نسخدهای خطی کتابخانه وینه ص ۴۹

فهرست نسخدهای مصنفات ابن سینا ص ۱۹ و ۴۸

فی کلمات الصوفیه (رساله) ص ۲۰

فی الجول علی طریق المسئلة والجواب (کتاب - مقاله) ص ۳۲

ق

قابوس نامه ص ۳۳

قطعات منتخبة فارسی ص ۲۲ (و نیز رث: منتخبات نشر و اعظم فارسی)

ک

کارنامه ارتخشیر پاپگان ص ۲۹

الکافی ص ۳۲

کرستومانی پرسان ص ۵۰

کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون ص ۱۷ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۶ +

کلمات قرآن (کتاب) ص ۵۰

کناش ص ۳۲

گ

گاه شماری ص ۳ و ۵

گزارش سفر هند ص ۵

گزارش شطرنجک و نهادن ویشردشیر ص ۲۹

گنجینه معارف ص ۳۱ و ۳۲

ل

لباب الالباب ص ۴۴

لطائف الطوائف ص ۳۳

لغت نامه دهخدا ص ۲

م

مادیکان چترنگک ص ۲۹

فهرست نامهای کتابها و نشریه‌ها و روزنامه‌ها و مقالات

- متن‌های پهلوی ص ۳۱
مثنوی الاطفال ص ۵۰ +
مجله آینده ص ۲۰
مجله اخگر ص ۵۲
مجله ارمغان ص ۳ و ۸ و ۴۲ و ۵۱
مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ص ۴۰ +
مجله مشرق ص ۱۹
مجله مهر ص ۹ و ۱۷ و ۲۱ و ۲۹ و ۳۱ و ۵۰ و ۵۱
مجله یغما ص ۶ و ۱۲
مجموعه التواردینخ والقصص ص ۱
مجموعه الرسائل ص ۲۰
مجموعه الرسائل ص ۴۰
مجموعه قطعات ادبی ص ۵۰
مجاورات ص ۳۵
المجاورة فی الطب بینہ و بین کسری انوشروان (کتاب) ص ۳۱
مطلع سعدین و مجمع بحرین ص ۵
مظفرنامه ص ۱
مظفرنامه ۴۹
مفتاح الرموز ص ۵۰
مقاله‌ای تاریخی و انتقادی ص ۵
مکتوب و نصایح ص ۲۰
منتخبات نشر و نظم فارسی ص ۵۰ و ۵۱
منتخب جوامع الحکایات ص ۳۴
المواعظ ص ۲۰
مؤلفات ابن سینا ص ۴۹

ن

- نامه پیروزی ص ۵۱ + و ۵۲ +
نامه ظفر ص ۲
نامه‌های شیخ (ابن سینا) ص ۱۹
نشریه مؤسسه پایدار (رشد؛ دانشنامه)

فهرست نامهای کتابها و نشریه‌ها و روزنامه‌ها و مقالات

نصائح الحكماء لالاسكندر ص ۲۰

نصرت نامه ص ۷

نصيحة الملوك ۲۹ ص +

نمونه سخن فارسی ص ۱۱ و ۵۱

و

وصية ص ۱۹ و ۲۰

وصيت نامه افلاطون ص ۴۸

ه

هزارة فردوسی ص ۱

ی

یادگار بزرگمهر ص ۲۵ و ۳۱

منبع‌هایی راجع به ظفر نامه

اته(هرمان) تاریخ ادبیات فارسی (ترجمه دکتر رضا زاده شفق) تهران ۱۳۳۷ش (راجع بظفر نامه‌ها ص ۶۲ و ۶۴ و ۶۷ و ۲۵۵ و ۲۶۱-۲۶۵ و ۲۶۹ و ۲۸۷-۲۸۸ و ۲۸۹ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۴).

اته(هرمان) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دیوان هندلندن (= ایندیا آفیس) (اکسفر دسال ۱۹۰۳م) (ش ۲۱۵۷ ن ۲۱).

اته(هرمان) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بادلیان (ش ۲۰۱۹ و ۱۴۷۶ و ۱۲۴۱ ن ۴۳).

افشار(ایرج) ظفر نامه، مجله یغما سال ۶ ش ۹ ص ۳۵۶-۳۶۰.

ارگین(عثمان) فهرست مصنفات ابن سینا (بترکی) استانبول ۱۹۵۶م ص ۶۵ بدوی(عبدالرحمن) الحکمة الخالدة (= جاویدان خرد تألیف ابوعلی احمد بن محمد مسکویه قاهره ۱۹۵۲م، مقدمه ص ۷-۶۴.

بروکلمن(کارل) تاریخ ادبیات عرب، ذیل، لیدن ۱۹۳۷م، ج ۱ ص ۸۲۱ بلوشه(ادگار) فهرست نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه ملی پاریس (رش : ذیل شماره‌های ۱۵۱ و ۲۱۴۰ و ۲۲۷۲) (در موضع اخیر ذکری از اندرز بزرگمهر پهلوی است).

بیانی(مهدی) نمونه سخن فارسی تهران ۱۳۱۷ ه. ش (ص ۶۹-۷۳ و ص ۷۴ ح ۲).

تربیت (محمد علی) بزرگمهر بختگان، مجله گنجینه معارف سال اول
ش ۶ ص ۱-۱۱.

حاجی خلیفه (مصطفی بن عبدالله مشتهر بکاتب چلبی) کشف الظنون
عن اسامی الکتب والفنون (طبع استانبول ۱۹۴۳ م) ج ۲
س ۱۱۲۰.

حمدالله مستوفی قزوینی، تاریخ گزیده، چاپ عکسی، لیدن ۱۳۳۸ ه. ق
(۱۹۱۰ م) ص ۷۳-۷۸.

دانش پژوه (محمد تقی) فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة ج ۳ ب ۲
ص ۶۹۶ (در پایان نسخه جواهر الاخبار) تهران ۱۳۳۲ ه. ش
ریو (چارلز) فهرست نسخه های خطی فارسی موزه بریتانیا ۳ مجلد
لندن ۱۸۸۳-۸۷۹ م.

ریو (چارلز) ذیل فهرست نسخه های خطی فارسی موزه بریتانیا
لندن ۱۸۹۵ م.

شفر (شارل) منتخبات فارسی (گرسنوماتی پرسان) دو مجلد پاریس
۱۸۸۳ م ج ۱ ص ۱-۷.

عقیلی (سیف الدین حاجی بن نظام) آثار الوزراء بتصحیح و تعلیق
میر جلال الدین حسینی ارموی (محدث) تهران ۱۳۳۷
ه. ش ص ۱۷-۲۰.

فردوسی (ابوالقاسم) شاهنامه (چاپ امیر بهادری ۱۳۲۲-۱۳۲۶ ه. ق)
(بزمهای انوشروان با بزرگمهر و مؤبدان ج ۴ ص ۱۳-۱۸
و پند دادن بزرگمهر انوشروان را و سخن گفتن اودر گفتار
نیک و کردار نیک ج ۴ ص ۲۷-۲۹).

قنواتی (جورج شحانه) مؤلفات ابن سینا، طبع قاهره ۱۹۵۱، ش ۲۷۶
(ترجمه فارسی کتابی پهلوی موسوم به ظفر نامه از بزرجمهر
برای نوح بن محمد (چنین!) سامانی ۷-۳۶۶ (چنین!))
کتب نثر فارسی قرن چهارم هجری مقاله در طوفان هفتگی ش ۱۲ ص ۷.
گریستن سن (ارتور) داستان بزرجمهر حکیم (رش: ترجمه فارسی
عبدالحسین میکده: مجله مهر سال ۱ ش ۷ ص ۵۳۵-۵۳۶
و ص ۶۸۹ و ص ۷۸۶).

کیکوس بن اسکندر (عنصر المعالی) قابوس نامه، با مقدمه و حواشی
بقلم سعید نفیسی، طهران ۱۳۱۲ ش. (حواشی نفیسی
ص ۲۳۵).

مهدوی (دکتر یحیی) فهرست نسخه های مصنفات ابن سینا، تهران
۱۳۳۳ (ص ۲۸۱ ش ۱۸۳)

مینوی (مجتبی) هدایة المتعلمین در طب، مجله یغماسال ۳ ش ۱۲
ص ۴۹۸.

همائی (جلال الدین) تاریخ ادبیات ایران تبریز ۱۳۰۹ ه. ش ج ۱
ص ۲۸۲.

هورتن (ماکس) فلسفه اسلام (بآلمانی) مونیخن. ۱۹۲۴ م ص ۲۱۸.

جدول تصحیحات و اضافات

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۰ مقدمه	۳	آ که	آنکه
۳۲	۸	میدهد	میدهد (۴)
۳۲	۱۰	میشود (۴)	میشود ۵
۳۲	۲۰	ص ۴	ص ۴ . کتاب المسائل منسوب به خسرو انوشیروان منقول در الحکمة الخالدة (جاویدان خرد) چاپ بدوی (قاهره ۱۹۵۲) ص ۴۹-۶۱ و نیز رش: الحکمة الخالدة ص ۴۱-۴۵
۳۳	۱۵	ثلاثیات	ثلاثیات
۳۷	۴	جامعه	جامعه
۱ متن	۳	نوشیروان	نوشیروان
۱	۶	،	،
۱	۹	،	،
۲	۳	العافیة	العاقبة
۲	۲۲	مثالها	مثالها [ظ. مسائلها را]
۴	۱۹	ب	پ
۴	۲۸	ب	پ
۵	۱	دانش	دانش (۴)
۵	۱۱	نخه	نسخه
۹	در عنوان	ظفر	ظفر
۱۰	۱۱		خراب
۱۰	۲۰		شده است
۱۵	۱	در	در
۱۸	۱۱	عبادت	عبادت
۲۰	در عنوان	ظفر	ظفر

فهرست مندرجات کتاب

نام کتاب

۳-۱

ظفرنامه‌ها

۷-۳

مصنف ظفرنامه یا صاحب اصلی سخنان آن

۱۷-۸

مترجم کتاب

۲۷-۱۷

سبب تألیف ظفرنامه

۲۷

تاریخ تألیف کتاب

۳۰-۲۸

وضع و ترتیب ظفرنامه

۳۴-۳۱

ارزش فلسفی ظفرنامه

۳۹-۳۴

نسخه‌های ظفرنامه

۴۹-۳۹

ترجمه‌های ظفرنامه

۴۹

نسخه‌های چاپی ظفرنامه

۵۲-۴۹

چگونگی تصحیح و روش برقراری متن کتاب

۵۲

فهرست رمزهایی که در این کتاب بکار رفته است

۵۵-۵۴

متن کتاب

۲۳-۱

فهرست نامهای تاریخی

۳۲-۲۵

فهرست نامهای جغرافیائی و جایها

۳۴-۳۳

فهرست نامهای کتابها و نشریه‌ها و روزنامه‌ها و مقالات

۴۲-۴۵

منبع‌هایی راجع به ظفرنامه

۴۵-۴۳

جدول تصحیحات و اضافات

۴۶

این کتاب بحث شماره ۲۶۷ در تاریخ ۷ اردیبهشت ۱۳۸۷
در کتابخانه ملی ثبت رسیده است